



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌ای نون
گروه تولید محتوا

دو فصلنامه علمی-تخصصی

سال پنجم

شماره هشتم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

محرم ۱۴۴۸ ه. ق

تبلیغ و ترویج

نقش هویت دینی و ملی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی
محمدکاظم کریمی

ارزش جهاد و مقام مجاهدان در اسلام
عبدالکریم پاک‌نیای تبریزی

امدادهای غیبی؛ شرایط و نمودها
علیرضا انصاری

نقش باور به آخرت و شهادت در تاب‌آوری اجتماعی در زمان جنگ
دکتر احمد فلاح‌زاده

امام حسین علیه السلام الگوی شجاعت و قاطعیت با دشمن
حسن شیرزاد کمانگر

تاریخچه عزاداری: از سیره معصومان علیهم السلام تا ایران امروزی
دکتر مصطفی محسنی

جلوه‌های قرآنی در بیانات و زندگی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله العالی
عیسی عیسی‌زاده

شهادت طلبی امام خامنه‌ای با تأسی از امام حسین علیه السلام
سید تقی واردی

ویژگی‌های امام شهید از زبان مقام معظم رهبری مد ظله العالی
مصطفی محجوب‌زاده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌ای فون
گروه تولید محتوا

تبلیغ و ترویج

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال پنجم - شماره هشتم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستاآزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

عبدالکریم پاکنیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستاآزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عیسی عیسی زاده

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میرتقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ویراستار:

مرتضی غلامی

شمارگان:

۲۰ نسخه

قیمت:

۱۴۰۰۰۰ تومان

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۴۰۷۱ - پایگاه اینترنتی: <http://jpp.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir

فهرست مطالب

سخن نخست	۵
نقش هویت دینی و ملی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی	۹
محمدکاظم کریمی	
ارزش جهاد و مقام مجاهدان در اسلام	۱۹
حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیای تبریزی	
امدادهای غیبی؛ شرایط و نمودها	۲۷
حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری	
نقش باور به آخرت و شهادت در تاب‌آوری اجتماعی در زمان جنگ	۳۹
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده	
امام حسین <small>علیه السلام</small> الگوی شجاعت و قاطعیت با دشمن	۴۹
حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر	
تاریخچه عزاداری: از سیره معصومان <small>علیهم السلام</small> تا ایران امروزی	۵۹
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی	
جلوه‌های قرآنی در بیانات و زندگی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای <small>رحمته الله علیه</small>	۶۸
حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده	
شهادت‌طلبی امام خامنه‌ای با تأسی از امام حسین <small>علیه السلام</small>	۷۷
حجت الاسلام والمسلمین سید تقی واردی	
ویژگی‌های امام شهید از زبان مقام معظم رهبری <small>دام ظلّه</small>	۸۷
حجت الاسلام والمسلمین مصطفی محبوب‌زاده	

سخن نخست

بدون تردید عزت طلبی از خصائص برجسته امام حسین علیه السلام است. امام علیه السلام در برابر ظلم ایستادگی کرد و تسلیم خواسته‌های ستمگران نشد. بازتاب این ویژگی را می‌توان در رفتار و سخنان حضرت مشاهده کرد: «فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»؛^۱ و «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا بِي اللّٰهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.»^۲

اکنون که دیده هیچ نبیند به غیر ظلم باید زجان گذشت، کزین زندگی چه سود؟

این ویژگی مهم اخلاقی تنها در پرتو ایمان راسخ به خداوند و قرب به جوار حضرت حق تعالی بدست می‌آید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»؛^۳ کسی که عزت می‌خواهد پس باید آن را از خدا بخواهد، زیرا همه عزت ویژه خداست. ثمره ایمان و اتکاء به خدایی که همه عزت و قدرت از آن اوست، عزت طلبی، شجاعت، مقاومت و نهرا سیدن از قدرت‌های پوشالی دشمنان است. بر این اساس، دولت و ملتی که خود را پیرو امام حسین علیه السلام و مکتب عاشورا می‌داند، ملتی عزتمند، شجاع و مقتدر خواهد بود و نه تنها هیچگاه تسلیم خواسته‌های دشمنان نخواهد شد؛ بلکه همچون نظام جمهوری اسلامی ایران، با اقتدار و شجاعت و ایستادگی از مردم و کشور خود در برابر هجوم وحشیانه آمریکای جنایتکار و رژیم کودک‌کش صهیونیستی دفاع خواهد کرد. چنین ملتی هرگز از پیروزی نهایی خود و شکست دشمنان ناامید نخواهد شد؛ چرا که می‌داند در نظام هستی، پیروزی حق تثبیت شده است: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۷.

۳. فاطر: ۱۰.

اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛^۱ خدا لازم و مقرر کرده است که بی تردید من و پیامبرانم پیروزیم همانا خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است». تعبیر «كَتَبَ اللَّهُ لِأَعْلَبِ بْنِ» به این اصل کلی نظر دارد که پایان هر مقطع تاریخی، بلکه در هر احتجاج، قصه و رخدادی حق و حقایقیت و اسلام پیروز نهایی است.^۲

خداوند امام راحل و قائد شهیدمان را با سیدالشهدا علیه السلام محشور فرماید که مسیر عزت، مقاومت و پیروزی را پیش روی ملت عزیز ایران قرار دادند. قطعاً ادامه پیروزمندان این مسیر سعادت آفرین، تنها در سایه وحدت و انسجام ملی و پیروی از فرامین رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای علیه السلام فراهم خواهد شد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳ و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل میشوید و قدرت و شوکتتان از میان میرود و شکستباری و رزید زیرا خدا با شکیبایان است».

شاکر لطف و محبت خدای سبحان هستیم که به ما توفیق مجدد عنایت فرمود تا محتوایی درخور برای ایام تبلیغی محرم تهیه کنیم. این محتواها همانند سال‌های گذشته در قالب ره‌توشه‌های ذیل تولید و عرضه شده‌اند:

● فصلنامه ره‌توشه مبلغان: مخاطب این فصلنامه عموم مبلغان گرامی هستند. در این فصلنامه مباحث ذیل آمده است:

راهکارهای قرآنی حفظ وحدت اجتماعی در شرایط جنگی؛ جهاد کبیر؛ نفی سلطه فرهنگی و سیاسی دشمن؛ روایت پیروز میدان در جنگ رمضان؛ امید و امیدآفرینی در فرهنگ اسلامی؛ میراث معنوی امام شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام؛ بررسی شخصیت حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای با رویکرد تحلیل گفتمان؛ مواجهه یهود با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره نبوی در تعامل با آنان تحلیلی تاریخی و راهبردی برای امروز؛ هویت تمدن‌ساز ایرانی و سهم آن در دوره اسلامی؛ تحلیل نقش‌آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان؛ عدالت‌خواهی؛ محور پیوند نهضت حسینی و انقلاب اسلامی؛ ولایت‌پذیری حضرت عباس علیه السلام؛ الگوی تبعیت از رهبری الهی؛ رابطه نماز و روحیه مقاومت در سنگر عاشورا؛ عاشورا صحفه ظهور بصیرت، عزت‌طلبی و حماسه؛ علل عدم قیام امام سجاد علیه السلام و

۱. مجادله: ۲۱.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۷۶، ص ۳۵۷.

۳. انفال: ۴۶.

اقدامات حضرت برای حفظ و تقویت تشیع؛ واکاوی پیوند اقتصاد مقاومتی، وحدت و امنیت ملی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی.

● **دو فصلنامه تبلیغ و خانواده:** مخاطب این دو فصلنامه همه مبلغان، به ویژه مبلغان محترمی هستند که در عرصه خانواده تبلیغ می‌کنند. این دو فصلنامه به موضوعات ذیل پرداخته است:

روضه خانگی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام؛ شخصیت‌شناسی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای دامت‌تعالیه؛ نقش زنان در تقویت تاب‌آوری خانواده در شرایط جنگ با تأکید بر جنگ رمضان؛ راهکارهای تحقق خودکفایی در تربیت انسان از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی؛ تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ ایران؛ نقش خانواده، مدرسه و رسانه در تربیت عقلانی؛ تکریم دختران در سیره امام حسین علیه‌السلام؛ پرورش تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌های جمعی.

● **دو فصلنامه تبلیغ و تقریب:** رویکرد این دو فصلنامه تقریبی است. مخاطب این فصلنامه همه مبلغان به ویژه مبلغانی هستند که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ اشتغال دارند. در این مجموعه مباحث ذیل مطرح شده است:

نقش هویت دینی و ملی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی؛ ارزش جهاد و مقام مجاهدان در اسلام؛ امدادهای غیبی؛ شرایط و نمودها؛ نقش باور به آخرت و شهادت در تاب‌آوری اجتماعی در زمان جنگ؛ امام حسین علیه‌السلام؛ الگوی شجاعت و قاطعیت با دشمن؛ تاریخچه عزاداری؛ از سیره معصومان علیهم‌السلام تا ایران امروزی؛ جلوه‌های قرآنی در بیانات و زندگی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالیه؛ شهادت‌طلبی امام خامنه‌ای با تأسی از امام حسین علیه‌السلام؛ ویژگی‌های امام شهید از زبان مقام معظم رهبری.

انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از محتوای فصلنامه‌ها، ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند. در پایان لازم می‌دانم از نویسندگان محترم و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر کنم و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی تبلیغی و رسانه‌های نوین
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

نقش هویت دینی و ملی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی

محمدکاظم کریمی*

اشاره

کوشش‌های مجدانه یک ملت در پاسداشت و درونی‌کردن ارزش‌ها و دستاوردهای معنوی و سرزمینی خود، در قالب هویت دینی و ملی تبلور می‌یابد و بهره‌گیری از ظرفیت آن در مقابله با فشارها و بحران‌های بیرونی برای همه عصرها و نسل‌ها اهمیت اساسی دارد. این نوشتار کوشیده است نقش و تأثیر هویت دینی و ملی بر تاب‌آوری اجتماعی را از طریق توصیف و تحلیل داده‌های معتبر و با بهره‌گیری از ظرفیت اسناد و منابع مکتوب بررسی و واکاوی کند. بر این اساس، با تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی و دینی، چگونگی نقش‌آفرینی آنها بر تاب‌آوری اجتماعی به کمک محورهایی چون «ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی»، «معنابخشی به رنج و عبور از بحران»، «نظام حکمرانی و اعتماد عمومی»، «ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری» و «کنشگری عدالت‌ورزانه» توصیف و تبیین شده است.

مقدمه

پیوند میان «هویت» و «تاب‌آوری اجتماعی» از مباحث پراهمیت در قلمرو دانش‌هایی چون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی است. هویت^۱ در واقع مجموعه‌ای از معانی است که یک فرد یا گروه در پاسخ به پرسش‌هایی چون «من کیستم؟»، «ما چه کسانی هستیم؟»، «به چه چیزی تعلق داریم؟»، «چه ارزش‌ها و معیارهایی برایمان مهم است؟» و «ما چه تفاوت و تمایزی از دیگران داریم؟» بیان می‌کنند و جهت‌دهنده تمامی رفتار و کنش‌های انسانی است. چنان‌که آشکار است هویت در دو سطح فردی و جمعی تبلور می‌یابد؛ هویت

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دکترای جامعه‌شناسی سیاسی: mkkarimi_48@yahoo.com

1. Identity.

فردی شامل برداشت شخص از خودش است و هویت جمعی تعریف و برداشت یک گروه از خود است. هویت جمعی خود شامل انواعی چون هویت ملی (تاریخ مشترک، سرزمین، زبان/فرهنگ، اسطوره‌ها و روایت‌های تاریخی، حس تعلق به دولت - ملت)، هویت دینی (باورها و مناسک، ارزش‌های اخلاقی، جهان‌بینی، شبکه‌های دینی/اجتماعی (مسجد، کلیسا، هیئت، انجمن‌ها)، هویت قومی/زبانی (قومیت، سنت‌ها، زبان، آیین‌های فرهنگی)، هویت حرفه‌ای (هویت دانشگاهی، پزشکی، کارگری و...) و هویت جنسیتی/سنی است. مهم‌ترین کارکردهای هویت در زندگی انسان امروز را می‌توان «ایجاد انسجام روانی و اجتماعی»، «جهت‌دهی به کنش‌ها و رفتارها» و «ایجاد حس تعلق و همبستگی» برشمرد.

تاب‌آوری^۱ نیز به معنای توانایی یک فرد، گروه یا جامعه برای جذب و دریافت فشارهای اجتماعی، محیطی و طبیعی و سازگاری و مدیریت آنهاست؛ از این رو تاب‌آوری می‌تواند در سه سطح فردی (توانایی فرد در تنظیم هیجان، حفظ امید، عمل کردن مؤثر)، خانوادگی (وجود حمایت واقعی در خانواده و اطرافیان) و اجتماعی (ظرفیت جمعی برای سازماندهی، حمایت، قانون‌مندی، مشارکت و بازسازی) اتفاق افتد. بر همین اساس، تاب‌آوری اجتماعی^۲ که ناظر به سطح جامعه و شبکه‌های درون آن است، به معنای توانایی جامعه برای مدیریت بحران‌ها و بازگشت به شرایط تعادل و نیز ارتقای وضعیت پس از بحران است. به بیان دیگر، جامعه تا چه حد می‌تواند بحران را تحمل کند، آسیب‌ها را مدیریت کند و با کمترین فرسایش دوباره سازمان یابد.

نمونه‌هایی از مؤلفه‌های اجتماعی تاب‌آوری را می‌توان در همبستگی و اعتماد عمومی، کیفیت شبکه‌های حمایتی (خانواده، محله، نهادهای مدنی، دین/گروه‌های اجتماعی)، حکمرانی و توان مدیریت بحران، کاهش نابرابری و آسیب‌پذیری گروه‌های خاص ردیابی کرد. با این توضیح، هویت ملی و دینی از عناصری هستند که در تقویت تاب‌آوری اجتماعی نقش بسزایی دارند. دین توانایی جمع کردن قشرهای مختلف را تحت عنوان هویت دینی دارد. هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با رشد و تعالی آن پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی داشته باشد؛ از جمله آنها احساس تعهد و مسئولیت درقبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت‌دهی فرد و جامعه است که این امر بازخوردهای مثبت و

1. Resilience.

2. Resilience Social.

اثر بخشی را در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نمود می‌بخشد.

با وجود تفاوت مفهومی که این دو دارند، در آموزه‌های اسلامی مکمل و مقوم یکدیگر آمده‌اند؛ چنان‌که در حدیث مشهور نبوی آمده است: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ»^۱ دوست داشتن وطن از ایمان است». بنابراین بین هویت دینی و هویت ملی تفاوت و فاصله معناداری وجود ندارد و این دو می‌توانند به تقویت و پایداری یکدیگر کمک کنند. افزون بر این، علاقه به وطن علاقه‌ای طبیعی است که از روح حق‌شناسی سرچشمه می‌گیرد و حق‌شناسی از نشانه‌های ایمان است.^۲

بر این اساس، سنت دینی می‌تواند منبعی برای استخراج اصول و قواعدی باشد که در صورت به‌کارگیری صحیح، به ارتقای قدرت ملی و تقویت زیرساخت‌های تاب‌آوری اجتماعی کمک می‌کند. از این منظر، میراث‌روایی و تعالیم دینی نه تنها دارای کارکردهای معنوی و فردی، بلکه واجد ظرفیت‌های مهمی برای سامان‌دهی روابط اجتماعی و تقویت انسجام در جامعه هستند.

هر یک از هویت ملی و دینی از جنبه‌های مختلف می‌توانند به تاب‌آوری جامعه در برابر فشارهای درونی و بیرونی مدد رسانند و در این نوشتار به گوشه‌هایی از آن پرداخته می‌شود.

۱. ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی

احساس تعلق به یک سرزمین، تاریخ و سرنوشت مشترک، مرزهای «ما» و «دیگران» را در برابر بحران‌ها تعریف می‌کند و هویت ملی مردمان یک کشور را تشکیل می‌دهد. این هویت سبب می‌شود افراد در زمان سختی‌ها مانند جنگ، بحران‌های اقتصادی یا بلایای طبیعی خود را عضوی از یک خانواده بزرگ‌تر بدانند و به جای فردگرایی، به سمت کنش‌های جمعی و یاری‌رسانی حرکت کنند.

۱. حسین بن علی ابوالفتح رازی، روض الجنان، ج ۱۷، ص ۲۹۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین، ج ۱۵، ص ۵۰۹ - ۵۱۰؛ گفتنی است آیت‌الله مکارم شیرازی درباره اعتبار این حدیث تردید روا داشته‌اند، اما معتقد است در روایات دیگری، تعبیری مشابه این جمله از امام علی علیه السلام آمده است که مضمون آن را تأیید می‌کند؛ مانند حدیث «عُزِمَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ: شهرها با حب وطن آباد می‌شوند (حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۷) و «مِنْ كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاءُ عَلَيَّ مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ وَ حَيَاتِهِ إِلَى أَوْطَانِهِ: از نشانه‌های شخصیت انسان گریه برای عمر از دست‌رفته و علاقه‌مندی به وطنش است (محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۴).

در آموزه‌های دینی نیز بر مفاهیمی چون «برادری»، «نوع دوستی» و «مسئولیت‌پذیری در برابر هم‌نوع» تأکید شده است. این ارزش‌ها شبکه حمایتی قدرتمندی ایجاد می‌کنند که در زمان بحران، مقاومت افراد را در برابر فشارهای بیرونی دوچندان می‌کند. بر همین اساس خداوند در قرآن کریم مؤمنان را برادران یکدیگر توصیف می‌کند که هریک از آنان باید برای اصلاح ذات‌البین و رفع کدورت‌ها مبادرت ورزند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ»^۱ مؤمنان با هم برادرند؛ [هنگام نزاع و اختلاف] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید». همچنین اسلام از همه انسان‌ها می‌خواهد که یکدیگر را به چشم هم‌نوع بنگرند و در برابر انسان‌های دیگر احساس نزدیکی و دوستی کنند؛ به همین دلیل خداوند در سوره «انسان» رفتار نوع‌دوستانه اهل بیت عليهم السلام را می‌ستاید و درباره آنان می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الصَّغَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۲ و به پاس دوستی خدا، به فقیر و یتیم و اسیر طعام می‌دهند».

افزون بر این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رابطه مؤمنان با یکدیگر را بر پایه مهربانی و مسئولیت‌پذیری در برابر یکدیگر توصیف کرده است و می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى»^۳ مؤمنان در دوستی و عطوفت و مهرورزی چونان یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فراگیرد».

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار^۴

۲. معنابخشی به رنج و عبور از بحران

زندگی انسانی در همه دوران‌ها و سرزمین‌ها با انواع سختی، رنج و مشکل عجین بوده است؛ اما اینکه انسان‌ها در مواجهه با این سختی‌ها و مشکلات چگونه برخورد کنند، به عوامل گوناگونی ارتباط دارد. گاه برخی از افراد در مواجهه با سختی در کسری از ثانیه روحیه خود را از دست می‌دهند و بدون هیچ تلاشی برای جبران آنها، به آسانی تسلیم می‌شوند؛ در مقابل، کسانی هم

۱. حجرات: ۱۰.

۲. انسان: ۸.

۳. محمد محمدی‌ری‌شهری، منتخب میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۶۴۱.

۴. مصلح‌الدین سعدی، گلستان، باب اول: در سیرت پادشاهان.

شخصیت و توان خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که در برابر مشکلات و رنج‌ها قامت خم کنند و برای عبور از شرایط سخت و برطرف کردن مشکلات تلاش می‌کنند. هویت دینی و ملی از عواملی است که انسان‌ها را در عبور از بحران‌ها، سختی‌ها و رنج‌ها حمایت می‌کند. هویت دینی ابزارهای قدرتمندی در اختیار قرار می‌دهد که افراد می‌توانند برای تفسیر و تحمل رنج و درد از آنها بهره‌گیرند. مفهوم صبر، آزمایش الهی، پاداش اخروی و مانند آن از این قبیل‌اند. ایمان راسخ به این مفاهیم و بهره‌گیری از قدرت معنوی آنها سبب می‌شود افراد در مواجهه با کمبودها، سختی‌ها و مصیبت‌ها با فروپاشی روانی مواجه نشوند و معنایی فراتر از رنج فعلی بیابند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»^۱ بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می‌کنیم و صبرپیشگان را بشارت ده؛ آنان که چون بلا و آسیبی به آنان رسد، گویند ما از خداایم و به یقین به سوی او باز می‌گردیم».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِيتَاءِ فِي جَسَدِهِ»^۲ در بهشت مقام و منزلتی وجود دارد که هیچ بنده‌ای به آن نرسد، مگر به درد و بیماری‌ای که در بدنش حادث شود». آن حضرت در نقل دیگری فرموده است: «يَا عَبْدَ اللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرْضٌ بِالْمَقَارِيضِ»^۳ ای عبدالله، اگر مؤمن می‌دانست که پاداش مصایب و گرفتاری‌هایش چه اندازه است، آرزو می‌کرد با قیچی تکه‌تکه شود».

بر همین اساس، هویت ملی نیز با پیوند سختی‌های امروز به آرمان‌های بزرگ‌تر مانند حفظ استقلال یا پیشرفت کشور، به تلاش‌های جمعی معنا می‌بخشد و تحمل سختی‌ها را در مسیر یک هدف ملی ممکن می‌کند. فردوسی نیز با بیان حماسی خود، جان‌دادن در مسیر دفاع از میهن و کوتاه کردن دست دشمن از طمع‌ورزی به خاک کشور را می‌ستاید و به زیبایی سروده است:

چو ایران نباشد تن من مباد
در این بوم و بر جمله یک تن مباد
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم^۴

۱. بقره: ۱۵۵-۱۵۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۲۵۵.

۴. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه.

رهبر شهید انقلاب نیز در این باره فرموده است:

امتحان بدین معنا نیست که یک آزمایش است تا خدا ما را بشناسد یا یک آزمایش است که ما خودمان را بشناسیم - هیچ کدام از اینها نیست - بلکه امتحان، عبور از یک مرحله و مواجه شدن با یک بار سنگین است. خدای متعال، امتحانها را بر سر راه افراد و ملت‌ها قرار می‌دهد تا این ملت‌ها این بارها را بردارند، از این گردنه‌ها عبور کنند و به این وسیله، به مقامات عالی برسند و در جایگاه شایسته و مناسب خود قرار بگیرند. به حوادث، با این دید نگاه کنید.^۱

۳. نظام حکمرانی و اعتماد عمومی

وقتی سیاست‌گذاری‌ها بر پایه هویت ملی و ارزش‌های دینی باشد، اعتماد میان حکومت و مردم افزایش می‌یابد. اگر مردم احساس کنند تصمیم‌های حاکمیتی با باورهای عمیق و هویت آنان همسو است، در زمان‌های سخت مانند تحریم یا بحران‌های سیاسی و اجتماعی همراهی بیشتری می‌کنند. این میزان از اعتماد اصلی‌ترین مؤلفه تاب‌آوری اجتماعی در سطح کلان است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تفسیر رعایت نکردن حقوق بندگان و ستم بر آنان می‌فرماید:

وَاللَّهِ لَأَنَّ أَبَيْتَ عَلَى حَسَبِكَ السَّعْدَانَ مُسَهَّدًا أَوْ أُجْرَفِي الْأَغْلَالَ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَغَاصِبًا لِنَفْسِي مِنَ الْحَطَامِ؛ وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسِي يَسْرِعُ إِلَى الْبَلَى قُفُولُهَا وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟^۲ به خدا سوگند، اگر شب را تا بامداد بر بستری از خار سخت بیدار بمانم یا مرا به زنجیر بسته بر روی زمین بکشانند، برایم دوست‌داشتنی‌تر از آن است که در روز قیامت به دیدار خدا و پیامبرش روم، درحالی‌که به بعضی از بندگان ستمی کرده یا پیشیزی از مال مردم را به غصب گرفته باشم. چگونه بر کسی ستم روا دارم، به دلیل نفسی که پیوسته روی در فنا دارد و ماندنش زیر خاک طولانی خواهد بود؟

۴. ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری

هویت ملی و هویت دینی ظرفیت بالایی برای ایجاد و تقویت فرهنگ ایثار دارند. ایثار از فضایل

۱. بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مکه مکرمه، ۱۳۶۹/۴/۶.

۲. شریف رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴.

اخلاقی و به معنای برگزیدن و مقدم‌داشتن دیگران بر خویش‌اش است.^۱ قرآن کریم در تمجید از مسلمانان انصار ساکن مدینه به دلیل ایثار در حق برادران مهاجر خود می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند، هر چند خود بدان نیازمند باشند و آنان که از خست نفس خود در امان باشند، رستگارند».

شیخ طوسی معتقد است این آیه درباره انصار نازل شده است؛ زیرا آنان وارد مدینه شده بودند، پیش از آنکه مهاجران وارد شوند و می‌گویند هر کسی قبل از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه وارد شده باشد، از انصار است.^۳ همچنین شیخ طوسی در امالی نقل می‌کند مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و از شدت گرسنگی می‌نالید. پیامبر کسی را به خانه همسران خود فرستاد که برای آن مرد طعامی فرستند. در خانه همسران رسول خدا ﷺ جز آب آشامیدنی چیزی یافت نشد. سپس پیامبر به اصحاب فرمود: کیست که این مرد گرسنه را سیر کند؟ علی عَلَيْهِ السَّلَام برخاست و گفت: من این گرسنه را سیر خواهم کرد. سپس به خانه فاطمه آمد و گفت: آیا نزد تو طعامی پیدا می‌شود؟ فاطمه گفت: جز غذای یکی از دختران کوچک من چیز دیگری یافت نمی‌شود. علی از فاطمه خواست که غذای دختر خود را به شخص گرسنه بدهد و نیز گفت: به هر ترتیبی باشد، دختر را بخواباند و چراغ را خاموش کند. چنین کردند و مرد گرسنه را سیر کردند و خودشان نیز آن شب را در گرسنگی به سر بردند. هنگام صبح پیامبر از رفتار علی و فاطمه باخبر شد و این آیه برای آنان نازل شد.^۴

هرگاه فرد برای میهن یا آرمان‌های اعتقادی خویش ارزش قائل باشد، در زمان بحران، گذشتن از منافع فردی برای منافع جمعی تبدیل به یک افتخار و فضیلت اخلاقی می‌شود. تعمیق و گسترش چنین روحیه‌ای، ستون فقرات تاب‌آوری در شرایط اضطراری است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «ثروتمندی که سخی باشد، اجر و پاداش او مانند اجر و پاداش ابراهیم خلیل‌الله است و فقیری که صبر کند، اجر او مانند اجر ایوب پیامبر است».^۵

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۸، واژه ایثار.

۲. حشر: ۹.

۳. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۶۵.

۴. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۴۰۱، ش ۲۷۸.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، کتاب الایمان و الکفر، حدیث ۵.

۵. کنشگری عدالت‌ورزانه

سیر اجمالی در آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که سنت دینی می‌تواند منبعی ارجمند برای استخراج اصولی باشد که به تقویت عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و افزایش انسجام و تاب‌آوری در جامعه کمک کنند. درحقیقت، سنت آل‌الله چشمه جوشانی است که اگر در رگ‌های تشنه جامعه اسلامی امروز جاری شود، انسجام آن را دوچندان می‌کند و گام‌ها را برای پذیرش مسئولیت ملی و اسلامی استوار می‌سازد.

در روایتی از امام رضا علیه‌السلام به ماجرای اشاره می‌شود که در آن امام از جداسازی سفره غلامان و سیاه‌چهرگان جلوگیری می‌کنند و معیار برتری انسان‌ها را نه ویژگی‌های انتصابی، بلکه اعمال و رفتار آنان معرفی می‌کنند.

عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلخَ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا علیه‌السلام فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ، فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ، فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَوْ عَزَلْتَ لَهُؤُلَاءِ مَائِدَةً، فَقَالَ: مَهْ! إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأُمَّمُ وَاحِدَةٌ وَالْأَبَّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ: ^۱ مردی از دیار بلخ روایت می‌کند که در سفر امام رضا علیه‌السلام به خراسان، هم‌رکاب و همراه ایشان بودم. روزی بساط سفره‌اش را گسترده و همه خادم‌ان سیاه‌پوست و دیگران را دوشادوش هم بی‌هیچ خط‌ومرزی گرد آن خواند. تاب نیاوردم و گفتم: جانم فدایت، کاش سفره اینان را از خود جدا می‌کردی. امام نگاهی کرد و فرمود: بس کن؛ پروردگار ما یکی است، مادر ما یکی است و پدر ما نیز یکی است و عیار و پاداش هر انسان، تنها به قدر تلاش و عمل اوست، نه هیچ چیز دیگر.

آنچه در رفتار و گفتار امام علیه‌السلام در اینجا الهام‌بخش است؛ ایشان در کنار توجه به کرامت انسانی و تقویت وحدت انسانی و احساس همبستگی و برابری، بر نفی هرگونه گسل هویتی مبتنی بر انتساب‌های نژادی، قومی یا طبقاتی تأکید می‌کنند. اگر در جوامع مختلف همیشه «سفره» خط‌کش طبقه‌بندی اجتماعی بوده است، امام این خط‌کش را کنار می‌نهد و خط تازه‌ای وضع کرد که همان خط انسانیت است؛ خطی که به انسان‌ها هویت می‌بخشد و امکان دیده‌شدن را برایشان فراهم می‌آورد و بدین‌سان در پرتو وحدت سرشت انسانی، تاب‌آوری و انسجام یک ملت آغاز می‌شود.

انسجام و تاب‌آوری نه یک تصادف، که تنها در بستر یک هویت یکپارچه می‌روید. تا زمانی

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۶.

که آدم‌ها را در قفس تاریک طبقه‌بندی‌ها حبس کنیم و آنها را در برابر هم قرار دهیم، تپش قلب این جامعه موزون نخواهد شد. به این سبب امام علی علیه السلام در دوره خلافت، بیش از هر زمان دیگر زاهدانه زندگی می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف و کم‌درآمد تطبیق دهند که رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند»^۱.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری، چ ۲، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.
۴. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تدوین: صبوحی صالح، بیروت: دارالهجره، ۱۳۹۵ ق.
۵. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۷. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: الاسلامیه، [بی‌تا].
۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.

۱. شریف رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۹.

ارزش جهاد و مقام مجاهدان در اسلام

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیای تبریزی*

اشاره

جهاد و دفاع همه‌جانبه برای حفظ هویت، اعتقادات و فرهنگ، امری طبیعی و فطری است؛ از این رو هر موجود زنده‌ای برای بقای داشته‌های خود باید بکوشد با تمام وجود بجنگد و موانع را از سر راه خود بردارد. امر به جهاد یکی از بدیهی‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین اسلام برای پاسداری از فرهنگ انسانی و اسلامی است که ریشه در فطرت انسان‌ها دارد. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمام خیر و خوبی‌ها را در جهاد و در پرتو آن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ»^۱ تمام نیکی‌ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را پایدار نمی‌دارد جز شمشیر؛ و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ‌اند». شمشیر در این روایت به مثابه نماد جهاد و نماد سلاح‌های کارآمد جنگی در هر عصری به کار رفته است؛ برنده‌ترین سلاحی که مجاهد با آن رگ حیات دشمنان بشر را قطع می‌کند تا با پاک‌کردن جامعه از لوث آنان، خیر و برکت و امنیت و سعادت را برای جامعه انسانی به ارمغان بیاورد.

ارزش جهاد

همه چیز در اسلام بر محور توصیه و سفارش اخلاقی و موعظه بنا نشده است، بلکه باید در موارد زیادی به مبارزه جلدی و جهاد با دشمنان دین و دشمنان عدالت پرداخت. مولای متقیان امیر مؤمنان علی عَلِيٌّ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ. وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ»^۲ خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگ داشت و یار و یاور خود قرار داد. به خدا سوگند، کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود».

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ص ۴۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸.

جهاد در نگرش نبی مکرم اسلام ﷺ، مرز ایمان و نفاق را مشخص می‌کند؛ یعنی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ایمان واقعی، حضور در میدان جهاد است. آن گرامی در این باره فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يُعَزَّ، وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ، مَاتَ عَلٰی شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ»^۱ کسی که جهاد نکند یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد، به نوعی نفاق مرده است». البته این نفاق پنهان است که خود شخص ممکن است متوجه نفاقش نباشد.

ارزش تشریح جهاد در اسلام و جایگاه آن چنان مهم است که در کنار صلح و هم‌تراز با آن قرار می‌گیرد؛ به همان اندازه که صلح و زندگی مسالمت‌آمیز خوب و زیباست، همان‌قدر هم جنگ و جهاد برای استقرار صلح پسندیده است؛ در واقع نه تنها جهاد با صلح تعارض ندارد، بلکه مکمل یکدیگرند.

درشتی و نرمی به هم در به است
چو رگزن که جراح و مرهم نه است

درواقع جهاد و صلح هر دو از ارکان برنامه‌های اسلامی‌اند و دوروی یک سکه‌اند. سعدی می‌فرماید:

ترحم بر پلنگ تیزدندان
ستمکاری بود برگوسفندان

خداوند متعال نیز در قرآن می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۲ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست». علامه طباطبایی^۳ در تفسیر این آیه می‌فرماید:

دفاع مسلحانه و قتال، آخرین وسیله دفاع برای یک مسلمان است؛ وقتی به آن متوسل می‌شوند که راه‌های دیگر به نتیجه نرسد؛ مانند آخرین دوا که همان داغ کردن است. وقتی به آن متوسل می‌شوند که دواهای دیگر نتیجه ندهد؛ چون در قتال نیز بشر اقدام می‌کند به اینکه بعضی از اجزای بدن یا افراد اجتماع از بین بروند تا بقیه نجات یابند؛ و این سنتی است که در جوامع بشری جریان دارد.^۴

به هر حال برای حفظ عزت و شکوه اسلام باید جهاد تشریح می‌شد که در نهج البلاغه فرمود: «فَرَضَ اللَّهُ ... الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»^۴ خدای متعال [جهاد] را برای عزت اسلام واجب نمود».

۱. جمال‌الدین المزنی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ص ۵۰۶.

۲. حج: ۳۹.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۴۵.

۴. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

مفهوم جهاد

جَهْد و جُهْد در لغت به معنای طاقت و مشقت آمده است؛^۱ ابن‌درید هم می‌نویسد: «بلغ الرجلُ جُهْدَه و جَهْدَه و مجهوده: ^۲ نهایت طاقت و توانایی خود را به کار بست». بر اساس این معنا در واژه جهاد استفاده از تمام توان و انرژی برای رسیدن به یک هدف نهفته است. در مفردات راغب اصفهانی هم «جهاد» به طاقت و مشقت تفسیر شده است و «جهاد» و «مجاهده» به معنای به‌کارگیری نهایت کوشش در برابر دشمن است.^۳ بنابراین معنای لغوی جهاد یعنی سخت‌کوشی با تمام توان برای تحقق مطلوب.

مقام مجاهدان

آیات متعددی از قرآن کریم درباره مقام و عظمت مجاهدان وارد شده است؛ همچنین متون دینی به این مهم پرداخته‌اند. خداوند در سوره «نساء» می‌فرماید:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛^۴ [هرگز]

افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده است؛ و به هر یک از این دو گروه [به نسبت اعمال نیکشان] خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ، تنگ

من از او جانی ستانم جاودان او ز من دل‌قی ستاند رنگ، رنگ

پیشوای نخستین شیعیان، جهاد را لباس تقوا و دری از درهای بهشت می‌داند و درباره ارزش

جهاد در راه خدا و مقام مجاهدان می‌فرماید:

فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. محمد بن حسن ابن‌دُرید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۴۵۲.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۰۸.

۴. نساء: ۹۵.

اللَّهِ الْحَصِينَةَ وَجُنَّتَهُ الْوَثِيْقَةَ. فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الدُّلِّ وَشَمِلَهُ الْبَلَاءُ وَ دِيَّتَ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءَةِ وَضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَأُذِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَسِيَمَ الْخَسْفَ وَ مُنِعَ النَّصْفَ: ^۱ جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است؛ کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی می‌ماند و حق از او روی می‌گرداند؛ به دلیل ترک جهاد هم به خواری محکوم و از عدالت محروم است.

اقسام جهاد

خداوند متعال در سوره «عنکبوت» می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» ^۲ و کسانی که برای [به دست آوردن خشنودی] ما [با جان و مال] کوشیدند، بی تردید آنان را به راه‌های خود [راه رشد، سعادت، کمال، کرامت، بهشت و مقام قرب] راهنمایی می‌کنیم؛ و به یقین خدا با نیکوکاران است.» جهاد در اسلام بر سه نوع است:

الف) جهاد اکبر

جهاد اکبر از اقسام و ارکان مهم جهاد است که در فرهنگ اسلامی هم بدان تأکید فراوانی شده است. نتیجه آن به ترکیه و تهذیب نفس انسان می‌انجامد که از اهداف حیاتی بعثت انبیاست. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَعَدَى عَدُوَّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» ^۳ دشمن‌ترین دشمنان برای تو نفس توست که میان دو پهلوی توست.»

در خبر بشنو تو این پند نکو

بَيْنَ جَنْبَيْكُمْ لَكُمْ عَدَى عَدُو
حضرت علی عليه السلام نیز فرمود رسول خدا ﷺ گروهی را [برای جنگ] فرستاد؛ هنگامی که بازگشتند، به آنان فرمود: «مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ: مرحبا به حال مردمی که جهاد اصغر را انجام دادند و جهاد اکبر بر آنان باقی مانده است. گفته شد ای رسول خدا، جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد و پیکار با نفس. سپس فرمود: برترین جهاد، [از آن] کسی است که با نفسش که در میان دو

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۲. عنکبوت: ۶۹.

۳. محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۲، ص ۱۶.

پهلوی اوست، جهاد کند».

رسول خدا ﷺ جهاد با دشمنان را جهاد اصغر و جهاد کوچک و جهاد با نفس اماره را جهاد بزرگ و جهاد اکبر نامیده است؛ می‌توان به دلایل فراوان جهاد با نفس را مهم‌تر و افضل از جهاد با دشمن تلقی کرد که در اینجا به چند دلیل اشاره می‌شود:

۱. اگر جهاد با نفس انجام نگیرد، جهاد با دشمن بی‌نتیجه است. شخصیت‌های برجسته‌ای در صدر اسلام با اینکه جهادهای بزرگی انجام داده بودند، چون در جهاد با نفس مغلوب شیطان شدند، تمام زحمات آنان در میدان‌های نبرد هدر رفت؛ در مقابل، آنانی که در جهاد اکبر پیروز شده بودند، در جهاد با دشمن هم به زیباترین شکلی درخشیدند. در ماجرای که از جنگ خندق در مورد علی علیه السلام نقل شده است، تلفیق زیبایی درباره‌ی جهاد اکبر و اصغر و حتی جهاد تبیین هم مشاهده می‌شود که در وجود شخص کاملی مانند علی علیه السلام متبلور شده است.^۱

در زمان ما نیز بسیاری از سرداران مجاهدی که در میدان نبرد با دشمن بوده و هستند و برخی به شهادت رسیده‌اند، جهادشان در میدان پرثمر است؛ چراکه در مبارزه با نفس پیروز شده‌اند. تاریخ زندگی آنان یکی از صفحات زرین تاریخ تشیع در کشور اسلامی ایران و منطقه مقاومت است؛ شخصیت‌هایی مانند حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و ...

۲. جهاد اصغر جهاد با دشمن برون است؛ اما جهاد اکبر مبارزه با دشمن درون (نفس اماره) که خطرش بیشتر از خطر دشمن خارجی است؛ زیرا دشمن (برونی) پیداست، اما دشمن درونی ناپیدا؛ به طوری که نقشه‌ها و فکرهای شیطانی را فکر خود تلقی می‌کند، مثل غیبت دیگران را وظیفه شرعی خود می‌داند. بنابراین جهاد با دشمن درونی سخت‌تر از دشمن بیرونی است. تو با دشمن نفس هم‌خانه‌ای چه در بند پیکار بیگانه‌ای؟

۳. جهاد با دشمن خارجی زمان معین دارد و بالاخره دشمن از بین می‌رود یا آتش بس می‌شود؛ اما جهاد و مبارزه با دشمن درونی (مقابله با نفس اماره) هرگز محدودیت ندارد و در تمام عمر باید بی‌وقفه مجاهده و مراقبه داشته باشی.

۴. جهاد اکبر محدود به ابزار خاصی نیست و نمی‌توان پیش‌بینی لازم را کرد، بلکه فقط با سلاح مراقبه و مشارطه و محاسبه باید جهاد کرد. امام خمینی در کتاب اربعین، جهاد نفس را در نگاه اهل سلوک و اخلاق، سرچشمه همه سعادت‌ها و شقاوت‌ها و پایه همه درجات معنوی

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی طالب، ج ۲، ص ۱۱۵؛ قاضی نورالله تستری، إحقاق الحق، ج ۱۸،

ص ۱۴۷. مولانا جلال‌الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۳۷۲۱.

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزله از دغل.

می‌داند. ایشان هشدار می‌دهد که اگر انسان در جهاد اکبر شکست بخورد و مملکت نفس را برای سپاهیان شیطان خالی بگذارد، ممکن است دچار هلاکت همیشگی شود و حتی از شفاعت محروم بماند و گرفتار خشم الهی گردد.^۱

۵. جهاد اکبر از حیث نتیجه هم مشکل‌تر است؛ زیرا در جهاد با دشمن خارجی، احدی‌الحسنین در انتظار مجاهد است (یا پیروزی است یا شهادت) که هر کدام باشد، پیروزی محسوب می‌شود؛ اما در جهاد اکبر یا پیروزی با عقل و ایمان است یا شکست و سقوط در دام شهوات.

بر همین اساس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ»^۲ برترین جهاد این است که شخص با نفس خود جهاد کند».

ب) جهاد اصغر

جنگ در میدان نبرد و مبارزه با دشمن خارجی، جهاد اصغر نامیده می‌شود و مقابل آن جهاد اکبر و دشمن اصلی همان نفس اماره است. خدای متعال در سوره «صف» به دو ویژگی مجاهدان راستین عرصه نبرد با دشمن خارجی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ: خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند؛ گویی بنایی آهنین اند».

بر اساس این آیه، جهاد مجاهدان باید دو ویژگی داشته باشند که خدای متعال چنان جهادی را دوست دارد؛ یعنی افزون بر اصل جهاد که مطلوب الهی است، اولاً باید این جنگ «فی سبیل الله» باشد؛ ثانیاً با اتحاد و انسجام کامل همانند سدّی فولادین انجام شود نه متفرق و متشت و پراکنده و بدون هماهنگی.

ج) جهاد تبیین

جهاد تبیین و روشنگری به معنای جنگ نرم با دشمن است. جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی و جهاد علمی از مهم‌ترین عرصه‌های جهاد کبیر است که دشمن می‌تواند با دورکردن امت اسلامی از این صحنه‌های جهاد، جامعه اسلامی را به تمکین از خود وادارد. برخی مفسران گفته‌اند که جهاد کبیر در این آیه اشاره به جهاد تبیین دارد: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^۳ پس کافران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی بازایستی،] فرمان مبر و

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۲.

۲. محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، امالی، ص ۵۵۳.

۳. فرقان: ۵۲.

به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن».

جهاد کبیر به معنای به‌کارگیری همه‌توان برای مقابله غیرنظامی (و نبرد نرم) با کافران یا جنگ نرم با کفار بر اساس آموزه‌های قرآن کریم است. این آیه دلالت دارد بر اینکه جهاد متکلمان در رفع شبهه‌های منکران و دشمنان دین از بزرگ‌ترین جهادها و دارای جایگاه ویژه در پیشگاه خداوند است. در سوره «حج» هم می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۱ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید». جهاد در این آیه همه ابعاد جهاد از جمله جهاد تبیین را هم دربر می‌گیرد.^۲

اصطلاح جهاد تبیین و جهاد با زبان و قلب در حکمت ۳۷۵ نهج البلاغه هم مطرح شده است: «أَوَّلُ مَا تُغْلِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ، الْجِهَادُ بِأَيْدِيكُمْ، ثُمَّ بِاللِّسَانِ، ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ: نخستین مرحله‌ای از جهاد که دشمنان از شما می‌گیرند و در آن مغلوب می‌شوید، جهاد با دست [جهاد عملی] است؛ سپس جهاد با زبان و بعد جهاد با قلب». طبق فرمایش حضرت، دشمنان اسلام نخست می‌کوشند امر به معروف و نهی از منکر عملی - که همان جهاد تبیین است - را از مسلمانان بگیرند و اجازه ندهند کسی در عمل جهاد تبیین نماید تا مبادا موقعیت آنها به خطر بیفتد. هنگامی که جهاد تبیین عملی را خاموش کردند، به سراغ جهاد زبانی می‌روند و اجازه نمی‌دهند کسی بر فراز منابر یا در مجامع دیگر امر به معروف و نهی از منکر کند و کسانی را که اقدام به این کار کنند، تحت تعقیب قرار می‌دهند.

این نوع جهاد در صورت محقق شدن، آثار فراوانی دارد که مهم‌ترین آن عبارت است از: جلوگیری از تحریف واقعیت و روایت صحیح تاریخ در وقایع و حوادث تاریخی. همان‌گونه که حرکت حضرت زینب علیها السلام و تلاش‌های امام سجاد علیه السلام و سایر بازماندگان عاشورا هم در همین راستا تعریف می‌شود.

سر نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود	کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ	پشت ابری از ریا می‌ماند اگر زینب نبود
چشمه فریاد مظلومیت لب‌تشنگان	در کویر تفته جا می‌ماند اگر زینب نبود
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب	پشت کوه فتنه جا می‌ماند اگر زینب نبود ^۳

عمار یاسر از دیگر مجاهدان عرصه‌های مختلف جهاد است؛ او در جریان جنگ صفین

۱. حج: ۷۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۳. شاعر: قادر طهماسبی.

افزون بر جهاد اکبر و اصغر، به جهاد تبیین نیز می‌پردازد و به روشنگری و بیان واقعیت‌ها می‌پردازد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، أمالی، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن دُرَید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انتشارات علامه، [بی تا].
۴. اکبری، محمود، خود و ناخود، قم: نشر سما، ۱۳۸۴ ش.
۵. بلخی، مولانا جلال‌الدین، مثنوی معنوی، تصحیح: نیکلسون، تهران: نشر طلوع، ۱۳۷۲ ش.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، بیروت: دارالعلم للملایین. [بی تا].
۷. خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۹. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: نشر ائمه علیهم السلام، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، قم: نشر اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. شوشتری، شهید قاضی نورالله، احقاق الحق، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۹۶ ق.
۱۲. طبرسی، احمد، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، صفهان: نشر کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. المزی، جمال‌الدین، تهذیب الکتب فی اسماء الرجال، بیروت: نشر رسالت، ۱۴۰۰ ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر شهید انقلاب اسلامی.

امدادهای غیبی؛ شرایط و نمودها

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

انسان از آغاز آفرینش همواره در جستجوی معنا و نیرویی فراتر از توان خویش بوده است؛ نیرویی که در لحظه‌های پرمخاطره و دشوار بتواند پناه او شود. امدادهای غیبی خداوند، تأثیری شگرف در ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها دارد. آن‌گاه که رخدادهای ناگوار و مشکلات پی‌درپی به انسان هجوم می‌آورند، او به مقتضای فطرت الهی خویش، روی دل به سوی خدا می‌کند. این باور در تمامی ادیان الهی و فرهنگ‌ها جایگاهی بنیادین دارد؛ زیرا پیامبران و بسیاری از ملت‌ها هنگام مواجهه با بحران‌های بزرگ همچون جنگ‌ها شاهد یاری‌های الهی در پیروزی‌ها و تداوم مقاومت خود بوده‌اند. این امدادها به شیوه‌های گوناگون حاصل می‌شود؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً...»^۱ یا «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...»^۲. در تاریخ معاصر و در جنگ ایران با اسرائیل و آمریکا نیز امدادهای غیبی در ساحت‌های نظامی، روانی و اجتماعی جلوه‌گر شده است که فراتر از محاسبات مادی و جنگ‌افزارها بوده است. در این نوشتار پس از معناشناسی امداد غیبی، به شرایط دریافت این امدادها و نیز نمودها و تجلیات آن در طول زندگی اشاره می‌شود.

مفهوم‌شناسی

«امداد غیبی» تعبیری مرکب از دو واژه «امداد» و «غیب» است. ریشه «امداد» کلمه «م-د-د» است که معنای انبساط و امتداد دارد.^۳ «غیب» به مفهوم نهان و پشت پرده است؛ یعنی آن

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. بقره: ۲۴۹.

۲. توبه: ۲۶.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۱۱، ص ۵۲، «مد».

چیزهایی که از حواس ظاهری ما پنهان است. این کلمه در قرآن زیاد به کار برده شده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ: ۱ آنان که به غیب ایمان دارند». ۲ امداد غیبی به یاری‌هایی گفته می‌شود که از عوامل ناپیدا و فراتر از اسباب مادی سرچشمه می‌گیرد. ۳ این مفهوم همه نعمت‌های آشکار و پنهان الهی را دربر می‌گیرد. ۴ امدادهای غیبی در قرآن به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می‌گیرد. ۵ شهید مطهری امداد غیبی را به دو قسم تقسیم می‌کند: امداد غیبی عام که شامل همه نعمت‌های الهی برای عموم مخلوقات می‌شود؛ امداد غیبی خاص که یاری‌های ویژه برای مؤمنان در موقعیت‌های خاص است. ۶

شرایط بهره‌مندی از امداد غیبی

شکل‌گیری امدادهای غیبی مبتنی بر تحقق و فراهم‌بودن شرایط است؛ یعنی اگر مؤمنان شرایطی همچون ایمان، تقوا، استقامت، صبر و دعا را داشته باشند، خداوند به آنها وعده داده است که از انواع امدادهای غیبی الهی بهره‌مند می‌شوند. شهید مطهری می‌نویسد: «البتة مدد غیبی شرایطی دارد؛ معنایش این نیست که ما در خانه‌مان بنشینیم و بگوییم ای غیب بیا به من مدد بده؛ نه، مدد غیبی قانون و شرایط دارد. پس عمده این است که ما ایمان به غیب و ایمان به مدد‌های غیبی در یک شرایط معین داشته باشیم». ۷

کمک‌های غیبی گاهی با فراهم‌شدن شرایط موفقیت و گاهی با الهام‌ها، هدایت‌ها و روشن‌بینی‌ها بروز می‌یابند. در ادامه دو آیه از قرآن ذکر می‌شود که یکی درباره مدد‌هایی است که با فراهم‌شدن شرایط موفقیت تحقق می‌یابد و دیگری درباره مدد‌هایی که است که با الهامات و هدایت‌های معنوی بروز یافته است. خداوند متعال در این آیات به ذکر شرایطی می‌پردازد و مشخص می‌شود که این امدادها بی‌قید و شرط نیستند.

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامكم»؛ ۸ در واقع یاری الهی

۱. بقره: ۳.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۳۶.

۳. محمدحسن ناصحی، امدادهای غیبی از نگاه قرآن، ص ۱۷.

۴. همان.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۴۴.

۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار: امدادهای غیبی، ص ۳۴۴ - ۳۴۵.

۷. همان، ج ۲۳، ص ۶۴۷.

۸. محمد: ۱۲.

که نوعی امداد غیبی است، مشروط به آن است که مومنان دین خدا را نصرت کنند؛ این آیه مربوط به فراهم شدن شرایط موفقیت است تا امداد الهی تحقق یابد. در آیه دیگری می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۱ که در این آیه هم کوشش و هم اینکه این کوشش باید «در راه ما» باشد را شرط قرار می دهد. بنابراین امداد الهی مشروط است^۲ که برخی از مهم ترین شروط عبارت اند از:

۱. ایمان

یکی از شروط اساسی برای دریافت امدادهای غیبی، ایمان به عالم غیب است؛ به این معنا که علل و اسبابی فراتر از عوامل مادی و ظاهری در جهان تأثیرگذارند. خداوند در قرآن به مثابه قانونی کلی می فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»^۳ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و [در آخرت] روزی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم».

در رویارویی جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا، شاهد رقم خوردن صحنه هایی از تجلی ایمان و یاری های الهی در تاریخ معاصر بوده ایم. وجود روحیه ایمانی عمیق در میان نیروهای نظامی و مشارکت گسترده مردم در خیابان ها، عاملی شده است تا در برابر قدرت های بزرگ نظامی، ایستادگی و انسجامی کم نظیر شکل گیرد.

۲. دعا

دعا کلیدی است که درهای بسته را می گشاید؛ از این رو یکی از بارزترین راه های بهره مندی از امدادهای غیبی محسوب می شود. خداوند متعال در قرآن، دعا و مناجات را از ویژگی ها و سیره عملی پیامبران و اولیای الهی بر می شمارد. نمونه هایی از این دعاها را می توان دعای یونس عليه السلام در دل ماهی، دعای یوسف عليه السلام در گوشه زندان و دعای زکریا عليه السلام در زمان نداشتن فرزند دانست.^۴ در واقع دعا بزرگ ترین سلاح انبیا به شمار می رود. امام رضا عليه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ» و هنگامی که از ایشان پرسیده شد «سلاح انبیا چیست؟»، فرمودند: «سلاح انبیا دعاست».^۵

۱. عنکبوت: ۶۹.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳. غافر: ۵.

۴. محمودی، حسین علی، «شرایط امدادهای غیبی خداوند بر بندگان».

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

البته دعا باید از روی اخلاص و توجه محض به خدای سبحان صورت بگیرد. زمانی که دعا و سایر اعمال با اخلاص انجام پذیرد، رحمت و یاری خداوند شامل حال فرد می‌شود و او را در رفع مشکلات یاری می‌رساند: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۱ [پس تنها] خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص گردانید». دعا و درخواست یاری هنگامی که با اخلاص همراه باشد، به اجابت و امداد نزدیک‌تر است.

۳. صبر و مقاومت

«استقامت» در گفتمان قرآن و روایات، یکی از شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی برشمرده شده است. چند آیه قرآن به مسئله تاب‌آوری در مبارزات می‌پردازند که برخی از آنها مستقیم و برخی دیگر غیرمستقیم بر نقش صبر و مقاومت در امدادهای الهی تأکید دارند: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۲ به یقین کسانی که گفتند «پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که ترسید و غمگین مباشید». در آیه دیگر آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۳ کسانی که گفتند [پروردگار ما الله است]، سپس استقامت کردند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

۴. پارسایی

«تقوا» از مهم‌ترین شروط دریافت امداد غیبی محسوب می‌شود. وقتی انسان در مسیر تقوا گام برمی‌دارد، از ارتکاب گناه دورتر می‌شود؛ به همین دلیل قرآن، راه برون‌رفت از مشکلات و روزی غیر منتظره را ثمره تقوا بیان می‌کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۴ هر کسی تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌آورد و او را از جایی که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد». افزون بر این، قرآن پارسایی را بستری برای رشد فکری و افزایش بصیرت معرفی می‌کند که نقشی اساسی در تشخیص حق از باطل دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

۱. غافر: ۱۴.

۲. فصلت: ۳۰.

۳. احقاق: ۱۳؛ ر.ک: عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۱؛ محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۷، ص ۲۵.

۴. طلاق: ۲-۳؛ ر.ک: محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۳.

أَمْنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از [فرمان] خدا پروا کنید، برای شما وسیله‌ای برای تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد». ابن‌کثیر ذیل این آیه می‌نویسد: «کسی که با انجام اوامر و ترک نواهی الهی تقوای خدا را پیشه کند، به شناخت حق از باطل موفق می‌شود».^۲

عرصه‌ها و نمودهای تجلی امدادهای غیبی

۱. امدادهای غیبی برای انبیا

امدادهای غیبی در تاریخ انبیا جایگاهی بنیادی و الهام‌بخش دارد و در بسیاری از دوران سخت، جلوه‌ای روشن از حمایت الهی در مسیر هدایت بشر بوده است. مرور نمونه‌های تاریخ انبیا، نشان می‌دهد که این نوع یاری‌ها همواره در لحظات سرنوشت‌ساز به مدد پیامبران و مؤمنان آمده و مسیر تاریخ را دگرگون کرده است.

قرآن کریم از زبان لشکریان طالوت گزارش می‌کند: «... كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳ چه بسیار گروه‌های کوچکی که به اذن خدا بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران است».

در زندگی حضرت یوسف علیه السلام نیز امدادهای غیبی خداوند نقشی تعیین‌کننده دارد. آن هنگام که زلیخا با حيله و فریب قصد داشت آن حضرت را به گناه بکشاند، لطف و حفاظت الهی یوسف علیه السلام را از دام او رهایی بخشید.^۴

نمونه‌ای دیگر از این سنت الهی را در داستان نجات حضرت موسی علیه السلام می‌بینیم؛ زمانی که فرعون تصمیم داشت کودکان بنی اسرائیل را به قتل برساند، خداوند با الهام و آرامشی که به مادر موسی علیه السلام عطا کرد، راه نجات را به او نشان داد و او نیز فرزند خردسال خود را در صندوقی نهاد و به رود نیل سپرد و سرانجام موسی علیه السلام، تحت حمایت الهی رشد یافت و بزرگ شد.^۵ در واقعه‌ای دیگر، ابرهه با لشکر عظیم خود قصد تخریب خانه خدا را داشت؛ اما اراده الهی

۱. انفال: ۲۹.

۲. اسماعیل بن عمرو ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۳۸.

۳. بقره: ۲۴۹.

۴. یوسف: ۲۴؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۷۰-۳۷۴؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۱۲۷.

۵. طه: ۳۹؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۱۸.

بر نابودی این لشکر قرار گرفت. خداوند پرندگان کوچکی به نام «ابابیل» را فرستاد تا بر سر سپاهیان سنگ‌هایی بیفکنند و آنان را از پای درآورند.^۱ این حادثه نمونه‌ای روشن از امداد غیبی به شمار می‌آید.

۲. امدادهای غیبی در دوره پیامبر اسلام ﷺ

در تاریخ اسلام، امداد الهی همواره به‌مثابه نیروی پنهان و مؤثر در پیروزی‌ها، پایداری‌ها و گسترش ایمان مسلمانان نقش آفرین بوده است که به برخی از این نمونه‌ها در جنگ‌های تاریخ اسلام اشاره می‌شود.

جنگ بدر

جنگ بدر نخستین رویارویی مستقیم پیامبر اسلام ﷺ با مشرکان قریش، یکی از نقاط عطف و پیروزی‌های تعیین‌کننده در تاریخ اسلام محسوب می‌شود. مسلمانان در این نبرد با نفراتی اندک - حدود ۳۱۳ تن - در برابر سپاهی عظیم از قریش صف‌آرایی کردند که بالغ بر هزار نفر بود... با وجود این تفاوت فاحش در تعداد، مسلمانان با اتکا به نصرت الهی، پیروزی شکوهمندی را رقم زدند.^۲

یکی از جلوه‌های آشکار این امداد غیبی، حضور سه‌هزار فرشته الهی بود که به یاری سپاه اسلام شتافتند. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ... إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ...»^۳ خداوند شما را در [بدر] یاری کرد [و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت]؛ درحالی‌که شما [نسبت به آنها]، ناتوان بودید. در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی آیا کافی نیست که پروردگارتان شما را به سه‌هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند».

مفسران آیه ۱۷ سوره «انفال» را نیز مرتبط با جنگ بدر و امدادهای الهی دانسته‌اند:^۴ «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَلِّيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلََاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: این شما نبودید که آنها کشتید، بلکه خداوند آنها را کشت؛ و این تو نبود

۱. فیل: ۱-۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۹.

۳. آل عمران: ۱۲۳-۱۲۴؛ ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۷.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۱۴.

(ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی، بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست».

جنگ اُحُد

پس از شکست مسلمانان در اُحُد، ابوسفیان و لشکریانش که هنوز در اطراف مدینه بودند، گفتند: مسلمان‌ها نابود شدند و باقی‌مانده آنان گریختند؛ خوب است بازگردیم و آنان را ریشه‌کن کنیم. اما خداوند چنان رُعبی در دل آنان افکند که همچون شکست‌خورده‌گان به مکه بازگشتند؛ زیرا از حمله مسلمانان بیم داشتند. این واقعه، نمونه‌ای آشکار از امداد الهی مشاهده‌ناپذیر بود.^۱ در این رخداد، امداد الهی نه به شکل ظاهری و جنگ‌افزایی، بلکه در قالب واکنش روانی دشمن و فروپاشی روحیه آنان جلوه‌گر شد: «سَنَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا وَاهُمُ النَّارُ وَ بِنَسِ مَثْوَى الظَّالِمِينَ»^۲ به‌زودی در دل‌های کافران به سبب آنکه بدون دلیل چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم و جایگاه آنان آتش است؛ و چه بدجایگاهی است جایگاه ستمکاران». فخر رازی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «... در این آیه خداوند بیان می‌کند که ترس را در دل کافران می‌افکند و بی‌تردید این امر موجب برتری و چیرگی مسلمانان بر آنان می‌شود».^۳

جنگ حُنین

جنگ حنین بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری در منطقه حنین بین مسلمانان و قبیله‌های هوازن و ثقیف رخ داد. این جنگ یکی از صحنه‌های آشکار تجلی امداد الهی در تاریخ اسلام است. جنگ پس از نماز صبح آغاز شد و مسلمانان که از حمله قبایل هوازن غافلگیر شده بودند، اغلب پا به فرار گذاشتند و نظام سپاه اسلام درهم‌ریخت؛ ولی با مقاومت سرسختانه گروهی، سرانجام فراریان به فراخوانی پیامبر ﷺ بازگشتند و مجدد حمله آغاز شد و با کشته‌شدن صد نفر از مشرکان و تسلیم‌شدن بقیه، جنگ حُنین با یاری خداوند به سود مسلمانان پایان یافت.^۴ قرآن این پیروزی را نه حاصل توان نظامی، بلکه نتیجه نزول سکینه (آرامش روانی) و

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲. آل عمران ۱۵۱؛ ر.ک: محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۳۸۴.

۳. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۳۸۴.

۴. عبدعلی بن جُمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۱؛ سیدعبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۰۰.

فرستادن لشکری نامرئی از سوی خداوند می‌داند: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ ... ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»^۱ خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد [و بر دشمن پیروز شدید] و در روز حنین [نیز یاری نمود]. سپس خداوند [سکینه] خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران».

علامه طباطبایی ذیل این آیات می‌نویسد:

این آیات به داستان جنگ حنین اشاره نموده و بر مؤمنین منت می‌گذارد که چگونه مانند سایر جنگ‌ها که در ضعف و کمی نفرات بودند، آنها را نصرت داد؛ آن هم چه نصرت عجیبی لشکریانی فرستاد که مؤمنین ایشان را نمی‌دیدند ... و آزمایش خاطر در دل رسول خدا ﷺ و مؤمنین افکند و کفار را به دست مؤمنین عذاب کرد.^۲

جنگ احزاب

جنگ احزاب در تاریخ پرفرازونشیب اسلام نقطه عطفی است که اوج تهاجم دشمنان علیه جامعه نوپای مدینه را به تصویر می‌کشد. داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که قبیله‌های عرب با حمایت قریش و تحریک یهودیان، در تلاش بودند تا جامعه آرمانی اسلام را برای همیشه نابود کنند. نخستین جرقه این جنگ از سوی گروهی از یهودیان «بنی نضیر» زده شد که به مکه آمدند و طایفه «قریش» را به جنگ با پیامبر ﷺ تشویق کردند. این پیمان شوم، سپاهی عظیم را گرد هم آورد.^۳

لحظات بسیار سختی بر مسلمانان گذشت. جان‌ها به لب رسیده بود؛ جمعیت انبوه دشمن و اندک بودن لشکریان اسلام در مقابل آنان (تعداد لشکر کفر را ده‌هزار و لشکر اسلام را سه‌هزار نفر نوشته‌اند)، آینده‌ای دردناک را در برابر چشمان مسلمانان مجسم می‌کرد.^۴ قرآن این ماجرا را چنین گزارش می‌نماید: «إِذْ جَاءُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ

۱. توبه: ۲۴ - ۲۵؛ ر.ک: محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۹۷.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۱۸.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۱۷.

۴. همان.

الْقُلُوبِ الْحَنَاجِرَ وَ تَتَّظُنُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا: ^۱ [به خاطر بیاورید] زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین [شهر] بر شما وارد شدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به گلوگاه رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید». ^۲

در چنین شرایطی که اسباب ظاهری بر پیروزی دشمن دلالت داشت، فرمان الهی چنین نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرها [عظیم] به سراغ شما آمدند و ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکرانی که آنها را نمی‌دیدید». در تفاسیر آمده است: «عَلَيْهِمْ رِيحًا» همان باد صبا بود که در شب‌های سرد زمستانی وزید؛ همچنین «وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» به فرشتگانی اشاره دارد که برای خوار کردن مشرکان فرستاده شدند. این امداد الهی، لشکر انبوه احزاب را مجبور به شکست کرد.^۴

۳. امدادهای غیبی برای ایران اسلامی

تحلیلگران معتقدند فروپاشی رژیم پهلوی با وجود قدرت نظامی و حمایت‌های خارجی، بدون «نصرت الهی» دشوار بود. امام خمینی^{علیه‌السلام} در تبیین حادثه طبرس فرمودند:

آنهایی که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاورده‌اند، نباید بیدار شوند؟! کی این هلیکوپترهای آقای کارتر را که می‌خواستند به ایران بیایند، ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن‌ها ساقط کردند! شن‌ها مأمور خدا بودند، باد مأمور خداست... این باد مأمور خداست، این شن‌ها همه مأمورند.^۵

امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{علیه‌السلام} می‌فرمایند:

من در یک جریانی در سال ۶۵ یا ۶۶ که امام سکتة قلبی خیلی شدیدی کردند، خدمت امام رفتم؛ البته نگذاشتیم کسی بفهمد. در وضع سیاسی آن روز و وسط

۱. احزاب: ۱۰؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۸۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.

۳. احزاب: ۹؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۳۲؛ احمد بن مصطفیٰ مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۱، ص ۱۳۹؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۸۵.

۴. محمود زمخشری، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ص ۵۲۶؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۱، ص ۸۰.

۵. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

جنگ، اگر چنانچه این معلوم می‌شد، خیلی آثار منفی‌ای داشت. یک اتفاقی افتاده بود که امام تصمیمی قبلاً گرفته بودند اگر آن تصمیم را نمی‌گرفتند، این بیماری معلوم می‌شد و خبرگزاری‌ها و مردم و دشمن و دوست همه می‌فهمیدند و خیلی اوضاع به هم می‌خورد. من وقتی رفتم خدمت امام، ایشان روی تخت بیمارستان بودند و به ایشان گفتم: آقا، این تصمیمی که شما چند روز پیش گرفتید... این واقعاً کار خدا بود؛ شما چطور شد که به این فکر افتادید و این تصمیم را گرفتید؟ والا اگر نمی‌گرفتید، حالا همه می‌فهمیدند حالتان این جور است. ایشان گفتند که من از اول انقلاب تا حالا احساس می‌کنم که یک دست قدرتی دارد ما را هدایت می‌کند و به ما کمک می‌کند.^۱ هشت سال دفاع مقدس نیز شاهد حوادثی است که با معیارهای عادی نظامی توجیه‌ناپذیر است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

یک وقتی در مقابل دو لشکر و نیم عراقی در غرب اهواز، ما فقط یک تیپ داشتیم؛ آن هم تیبی که استعدادش به قدر یک گردان هم نبود. عراقی‌ها از ترس این تیپ جلو نمی‌آمدند... یک تیپ بی‌استعداد و ضعیف از لحاظ تجهیزات و نفرات... دو لشکر را در برابر خود متوقف کرده بود.^۲

در جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان هم که دو قدرت اتمی جهان، یعنی آمریکای جنایتکار و رژیم کودکش صهیونیستی به کشور عزیز ما حمله کردند، به یقین مقاومت، ایستادگی، انسجام و اتحاد مقدس مردم از نمونه‌ها و عنایات غیبی حضرت حق تعالی است که پیروزی ایران اسلامی را رقم زده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: مرتضوی، ۱۳۵۶ ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۴. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

1. <https://farsi.khamenei.ir =51924>.

2. <https://farsi.khamenei.ir =27713>.

۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چ ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۲. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. محمودی، حسین علی، «شرایط امدادهای غیبی خداوند بر بندگان»، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات تطبیقی کلام، س ۱۵، ش ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۴.
۱۸. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار: امدادهای غیبی، تهران: انتشارات صدرا، [بی تا].
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. ناصحی، محمدحسن، امدادهای غیبی از نگاه قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.

نقش باور به آخرت و شهادت در تاب‌آوری اجتماعی در زمان جنگ

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده*

اشاره

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه باور به شهادت و آخرت در شرایط تهدید و ناامنی‌های جنگ، به عامل مؤثری در افزایش تاب‌آوری مردم تبدیل می‌شود؟ تجربه جنگ رمضان (اسفند ۱۴۰۴) به روشنی نشان داد تاب‌آوری در شرایط تهدید و ناامنی، یکی از مهم‌ترین مباحث مرتبط با مطالعات اجتماعی است. جوامع مختلف در مواجهه با تهدیدهای امنیتی و جنگ، برخی دچار فروپاشی روانی، سردرگمی جمعی و کاهش انسجام می‌شوند؛ اما برخی با وجود شدت فشارهای بیرونی، از خود مقاومتی پایدار، انسجامی بیشتر و امید افزون‌تری بروز می‌دهند. پژوهشگران معمولاً این تفاوت‌ها را به مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و تاریخی نسبت می‌دهند؛ درحالی‌که یکی از عوامل مؤثر در بسیاری از مناطق مذهبی به‌ویژه در جهان اسلام، نقش باورهای دینی و به‌طور خاص ایمان به شهادت و آخرت است. این باورها به انسان مؤمن امکان می‌دهد تا تهدید و ناامنی را نه پایان راه، بلکه «مرحله‌ای از مسیر حرکت تکاملی» بداند و با امید به پاداش الهی، عدالت نهایی و زندگی حقیقی در جهان دیگر، از رنج‌ها و فشارهای سنگین عبور کند. این نگرش موجب افزایش ظرفیت تحمل و مقاومت در افراد و گروه‌ها می‌شود و از آنها مجموعه‌ای می‌سازد که توانایی «ایستادگی طولانی» در برابر بحران را پیدا می‌کنند. این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از منابع معتبر به تبیین این موضوع بپردازد.

تعریف تاب‌آوری

تاب‌آوری در اصطلاح عمومی به معنای تحمل سختی و ناملایماتی است که بر انسان تحمیل

* عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

می‌شود. این واژه در اصطلاح علمی یعنی برگشت سریع و موفقیت‌آمیز به حالت قبلی پس از بروز یک ضایعه و فرایند مقابله با حوادث و پیامدهای آن. از ویژگی‌های تاب‌آوری این است که انسان را در عبور سالم از مشکلات زندگی یاری می‌رساند^۱ و انسان می‌آموزد چگونه با مشکلات، تهدیدها، فشارها و مسائلی از این قبیل سازگار شود و با وجود این، مسیر خود را ادامه دهد. مفهوم تاب‌آوری در فرهنگ غربی، معادل تحمل سختی‌ها از سر ناچاری و تحمل چیزی با کراهت است؛ اما در مفاهیم اسلامی، معادل صبر اجتماعی به مثابه یک فضیلت اخلاقی است که در فرهنگ دینی هم بر آن تأکید شده است؛ با این تفاوت که صبر دارای ابعاد و جنبه‌های مورد تأیید شرع است و اقسام مختلفی دارد؛ مانند صبر در جنگ (شجاعت)، صبر بر کف نفس از محرّمات (تقوی) واژه تاب‌آوری بیشتر در برابر سختی‌های زندگی مادی آن هم از نظر عمومی به کار می‌رود.

تاب‌آوری در فرهنگ اسلامی

روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام تاب‌آوری را سنت الهی در خلقت دنیا می‌داند؛ یعنی مواجهه با مشکلات بخشی از سنت‌های الهی است و نمی‌توان از آنها شانه خالی کرد؛ اما مهم این است که با سربلندی در برابر مشکلات مقاومت شود. امام سجاد علیه‌السلام با وجود تمامی مصیبت‌هایی که بر ایشان در حادثه کربلا و پس از آن فرود آمد، درباره تاب‌آوری می‌فرماید: «مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ جُرْعَتَيْنِ: جُرْعَةُ غَيْظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ، أَوْ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ»^۲ نزد خداوند متعال حالتی محبوب‌تر از یکی از این دو حالت نیست: حالت خشم و عصبانیتی که مؤمن با بردباری از آن بگذرد و دیگری حالت بلا و مصیبتی که مؤمن آن را با شکیبایی بگذراند».

فرایند تاب‌آوری اسلامی

پذیرش سختی‌ها همواره نیازمند انگیزه‌ای قوی، توان کافی (در سطح فردی و اجتماعی) و محیط آماده برای آن است. این انگیزه اگر فقط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا ناشی از هر چیز دیگری باشد، ممکن است در گذر زمان به‌ویژه اگر مشکلات طولانی باشد، ضعیف شود یا فروپاشد؛ اما اگر انگیزه تاب‌آوری برآمده از نگاه دینی باشد، شرایط کاملاً متغیر خواهد بود؛

۱. محمدجواد سقایی‌ریا و دیگران، «نقش شناخت‌های برآمده از ایمان به آخرت در تاب‌آوری و صبر از دیدگاه

قرآن»، ص ۲۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۱.

زیرا تجربه تاب‌آوری دینی ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

۱. نیت خالصانه و عمل بر مبنای آن

یکی از ویژگی‌های مؤمنان، شناخت زمانه و تعیین نقش خود است. مؤمن هیچ‌گاه خود را در برابر مسائل اجتماعی و دینی بلا تکلیف رها نمی‌کند، بلکه وظیفه خود می‌داند و انکس متناسب با هر شرایطی را بروز دهد. مؤمنان در شرایط تاب‌آوری اجتماعی در گام اول، نیت الهی را مدنظر قرار می‌دهند. از نظر آنها تاب‌آوری چون به نیت الهی است (با هدف نپذیرفتن ظلم)، خشنودی خدا را به همراه دارد؛ چراکه خداوند در آیه ۲۲ سوره «رعد» آن را توصیه کرده است: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ: و [خردمندان] کسانی هستند که برای جلب توجه پروردگارشان صبر پیشه کرده و نماز به پا داشتند و از آنچه روزیشان کردیم، پنهانی و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی پاک می‌کنند که سرای آخرت مخصوص آنهاست».

مؤمن هنگام مواجهه با سختی به خوبی می‌داند که سختی‌ها تمام‌شدنی و گذراست و همه چیز جز پروردگار عالم نابودشدنی است: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۱ هر چیزی جز ذات خدا از بین خواهد رفت، فرمانروایی [بر همه جهان هستی] مخصوص اوست و به سوی او بازگردانده خواهید شد».

۲. سپردن امور به دست خدا (توکل)

مؤمنان به توصیه قرآن، کارهای خود را به خدا می‌سپارند؛ یعنی با اینکه تمام تلاش خود را برای حل مشکلات به کار می‌گیرند، توکل به خدا می‌کنند و می‌دانند که خدا بهترین پایان را برای کار رقم می‌زند. خدای متعال برای اینکه از نظر روحی و روانی، تاب‌آوری را برای جامعه مؤمنان آسان کند، هم به به آنها دلگرمی و هم امیدواری به اینکه سختی‌ها پایان‌پذیر است؛ از این رو می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲ و نباید در جنگ با دشمن سستی کنید؛ که اگر شما به رنج و زحمت می‌افتید، آنها [دشمنان] نیز [از دست شما] رنج می‌کشند؛ با این تفاوت که شما به لطف خدا امیدوارید، ولی آنها امیدی ندارند و خدا دانا و حکیم است [و امیدواران را محروم نمی‌سازد]».

۱. قصص: ۸۸.

۲. نساء: ۱۰۴.

۳. تضمین پیروزی در این دنیا

خدای متعال موفقیت این نوع تاب‌آوری (به قصد رضای خدا) را تضمین کرده است؛ یعنی نتیجه آن به یقین پیروزی است؛ زیرا در سوره «روم» می‌فرماید: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ و حقی که بر ماست، این است که مؤمنان را پیروزی ببخشیم». خدای متعال به مؤمنان تضمین می‌دهد که اگر پایداری بورزند و آن شرایط دشوار را با شکیبایی خود پشت سر بگذارند، به یقین از آن شرایط سر بلند بیرون می‌آیند و پیروز می‌شوند. این نوع از تحمل که انگیزه الهی دارد، دشوار است؛ چراکه با یاری خدا همراه خواهد شد و قرآن به همین موضوع اشاره دارد: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَحْفِظُكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ»^۲ پس [در برابر مشکلات] صبر کن. وعده الهی عملی می‌شود و [مبادا دشمنان] تو را سبک کنند [که دست از مقاومت برداری]». در این باره در داستان جنگ احد آمده است که پس از شکست مسلمانان و شهادت تعداد چشمگیری از ایشان، مشرکان قریش به فکر افتادند که با تعقیب مسلمانان مدینه را غارت کنند. آنها (قریش) در جایی به نام حمراء الاسد توقف کردند. در این هنگام جبرئیل بر رسول خدا ﷺ نازل شد و گفت: یا محمد، خداوند فرمان می‌دهد که لشکر دشمن را دنبال کنی و کسانی که با تو در این تعقیب شرکت نمایند، باید از افرادی باشند که در جنگ احد به آنها جراحتی وارد آمده باشد. بعد از این فرمان، اصحابی که در جنگ احد جراحت و زخم دیده بودند، در صدد مداوای زخم‌های خود برآمدند تا در فرمان خداوند شرکت کنند. نتیجه کارشان هم این گونه آمده است: «فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَصْلٍ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ»^۳ پس این مجروحانی که برای بار دوم آماده دفاع شدند،^۴ شبانه به دشمن حمله کردند؛ دشمن که غافلگیر شده بود، تارومار شد و مسلمانان توانستند بخشی از موجودی‌های دشمن را که ترسیده و فرار کرده بود، مصادره کنند و غنیمت بگیرند و با خود به مدینه بیاورند. آنها نه تنها توطئه را خنثی کردند، بلکه درآمدی هم برای حکومت پیغمبر در سال سوم که اوایل شکل‌گیری دولت اسلام است، به وجود آوردند.^۵ این غنیمت میان کسانی که در این حمله شرکت کرده بودند، به طور مساوی تقسیم شد و بخشی برای امور اداره مدینه به کار گرفته شد.

۱. روم: ۴۷.

۲. روم: ۶۰.

۳. آل عمران: ۱۷۴.

۴. نصر بن محمد بن احمد سمرقندی، بحرالعلوم، ج ۱، ص ۲۶۶.

۵. آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر با رهبر انقلاب، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9769>

۴. پاداش اخروی

قرآن کریم به این نکته اشاره می‌کند که ای پیروان محمد رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بدانید که سختی‌های اقوام پیشین بیشتر از شما بود؛ ولی آنها تحمل کردند و پاداش این تحمل، پیروزی دنیوی و بهشت اخروی بود. خداوند می‌فرماید:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْنَهَةً الْبِأْسَاءِ وَ الصَّرَاةِ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ^۱ ای اهل ایمان، گمان مکنید که می‌توانید داخل بهشت شوید، بدون اینکه در معرض آزمایش درآیید. همچنان‌که پیش از شما گذشتگان نیز مورد آزمایش قرار گرفتند و دچار ناگواری‌ها گردیدند، تا آن‌گاه که پیامبران و پیروان آنان از پروردگار مدد خواستند که بارالها، کی ما را یاری می‌فرمائی؟ در آن هنگام به پیامبران وحی نمودیم که کمک و یاری پروردگار نزدیک است.^۲

پاداش اخروی این نوع تاب‌آوری را رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی قدسی این‌گونه تأکید کرده است: مَنْ اسْتَسْلَمَ لِقَضَائِي وَ صَبَرَ عَلَيَّ بِلَانِي وَ شَكَرَ لِنِعْمَائِي كَتَبْتُ لَهُ صَدِيقًا وَ بَعَثْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الصَّادِقِينَ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ بِلَانِي وَ لَمْ يَشْكُرْ لِنِعْمَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَايَ: ^۳ هر کسی در برابر قضای من تسلیم شود و در برابر بلاهایی که بر او وارد می‌شود، تاب بیاورد و شکر نعمت‌هایم را نماید، او را در درجه صدیقین قرار می‌دهم و او را روز قیامت با صدیقین محشور می‌کنم؛ ولی اگر کسی به قضای من راضی نباشد و بلا را تحمل نکند و شکر نعمت نکند، به سراغ خدای دیگری برود [چون من به او پاداشی نمی‌دهم].

خدای متعال پاداش اخروی (اجر صابران) را برای کسانی که در راه خدا صبر می‌کنند، تضمین کرده است؛ همان‌طور که در آیه ۱۵۵ سوره «آل عمران» می‌فرماید: «وَ لَنَجْزِيَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ: ما شما را با سختی‌هایی مانند ترس، گرسنگی، نابودشدن اموال، بیماری یا مردن اطرافیان یا از بین رفتن

۱. بقره: ۲۱۴.

۲. سیدمحمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۲، ص ۱۸۷؛ سیدعبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

۳. ابوعبدالله فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۶۵.

محصولات آزمایش می‌کنیم؛ ولی خوشا به حال صابران». سپس در آیه نهم سوره «زمر» می‌فرماید: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ: خدای سبحان هر عمل نیکی را طبق محاسبه و مقیاس معلومی جزا می‌دهد»؛ برای مثال می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...^۱ هر کسی کار نیک کند، ده برابر ثواب می‌برد»؛ اما درباره صابران می‌فرماید: «آنها بدون حساب عطا خواهند شد».^۲

رابطه شهادت و تاب‌آوری

۱. تأثیر باور به شهادت بر تاب‌آوری

شهادت مقوله‌ای ارزشی در مفاهیم اسلامی است که باور به آن، تاب مقاومت را بسیار بالا می‌برد و تأثیر مستقیمی نخست بر افرادی می‌نهد که به آن معتقدند و سپس جامعه را متأثر می‌کند. نخستین ویژگی باورمندان به شهادت (تریت‌شدگان مکتب شهادت)، استقامت فوق‌العاده در برابر مشکلات است. از آنجاکه پیروان این مکتب از نظر معنوی دارای مراتب عالی اخلاق و معنویت هستند، می‌کوشند این روحیه خود را با بردباری در برابر مشکلات حفظ کنند. این بردباری به آنها نیرویی می‌بخشد که حتی حاضر نیستند کمترین احساس ناراحتی از خود بروز بدهند؛ زیرا از نظر آنها این بروز ناراحتی موجب کم‌شدن اجر عملشان می‌شود. اینان به روایت امام رضا علیه السلام توجه دارند که فرخود: «مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ».^۳

سیره شهیدان دفاع مقدس مملو از داستان‌های رشادت‌آمیز مربوط به تاب‌آوری در برابر مشکلات است. یکی از زیباترین آنها، داستان شهید فرانسوی جنگ تحمیلی هشت‌ساله است. ژروم ایمانوئل کورسل در سال ۱۳۴۳ شمسی در شهر پاریس متولد شد. پدرش با نام محمد از مهاجران تونسی بود که برای کار به فرانسه آمد و در همان‌جا ماندگار شد. ژروم به تبعیت از مادرش مسیحی بود تا اینکه در نوجوانی همراه پدرش برای کار به تونس رفت. در آنجا عربی را آموخت و با دین اسلام آشنا شد و پس از تحقیقاتی در مورد دین اسلام، به این دین گرایش پیدا کرد. در زمان مدرسه با کانون دانشجویان مسلمان در فرانسه آشنا شد و در آنجا مشغول به

۱. انعام: ۱۶۰.

۲. محمدجواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳. شیخ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۲، ص ۱۲۰.

فعالیت شد. ژروم که تا آن زمان از اهل سنت بود، با آشنایی بیشتر با مذهب شیعه به طور رسمی شیعه شد و اسم خود را به کمال تغییر داد. کمال پس از تشریف به مذهب شیعه، تصمیم می‌گیرد به ایران سفر کند تا ضمن بازدید از ایران، علوم اسلامی را نیز در آنجا یاد بگیرد. او سال ۱۳۶۱ به ایران مهاجرت کرد و راهی شهر قم شد. بعد از مدتی حضور در مدرسه علمیه حجتیه، تصمیم گرفت کتاب‌های دینی را به زبان فرانسه ترجمه کند. کتب شیعه در اسلام نوشته علامه طباطبایی رحمته‌الله، مسئله حجاب اثر شهید مطهری رحمته‌الله، چهل حدیث نگاشته امام خمینی رحمته‌الله، رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام و ... از ترجمه‌های وی هستند. با شروع جنگ تحمیلی، کمال علاقه زیادی به شرکت در جنگ داشت؛ اما مسئولان با این موضوع مخالفت می‌کردند. پس از چند بار پیگیری برای رفتن به جبهه، با راهنمایی بعضی از دوستانش، از طریق سپاه بدر که مخصوص مجاهدان عراقی بود، پیگیر شد. به این ترتیب در گردان شهید دستغیب ثبت‌نام کرد و به جبهه اعزام شد. عملیات کربلای دو اولین عملیاتی بود که در آن شرکت کرد. بعدها در عملیات مرصاد شرکت کرد. آقای نداوی از مسئولان گردان درباره تاب‌آوری ایشان می‌گوید: در گرماگرم عملیات مرصاد (تیرماه سال ۶۷) نیروهایی که پشت منافقین هلی‌برن (پیاده) شده بودند، سه روز بود که آب و غذا نداشتند و امیدی هم به رسیدن کمک نبود. هوای گرم تابستان نیروها را تشنه کرده بود و مجروحان ناله می‌کردند. در همین اوضاع، کمال را دیدم. نگاهم که به او افتاد، دیدم زبانش مثل استخوان سفید شده، لب‌هایش خشک و چشمانش خیلی ضعیف شده بود. گفت: آقای نداوی، آب نداری؟ گفتم: نه، باید صبر کنید. گفت: تحمل می‌کنم. بعضی از رزمندگان عراقی از وضعیت موجود ناراحت بودند و پشت بی‌سیم با داد و فریاد به فرماندهان شکایت می‌کردند. کمال لهجه عراقی را متوجه نمی‌شد، گفت: آقای نداوی، اینها چه‌شان شده است؟ گفتم: از تشنگی و گرسنگی اذیت شده‌اند و دارند به فرماندهان شکایت می‌کنند. وقتی متوجه رفتار آنان شد، با صدای بلند همه را خطاب قرار داد و گفت: «... ما امروز با این تشنگی و گرسنگی با امام حسین علیه‌السلام هم‌دردی می‌کنیم. شما امام حسین علیه‌السلام را نمی‌شناسید؟! امروز حسینی هستیم، امروز امام حسین علیه‌السلام را من شناختم. باید حسین‌گونه باشیم. امروز امام حسین با این حالت شهید شدند و زخمی شدند و بچه‌ها شهید شدند. چرا این طوری می‌کنید؟ سخنان تأثیرگذارش همه را آرام کرد. حرف‌هایش که تمام شد، با ناراحتی بلند شد و چند قدمی از ما فاصله گرفت. هنوز چند متری دور نشده بود که چند تیر به او اصابت کرد و همان جا روی زمین افتاد و شهید شد.^۱

۱. محمدصادق حسینی، کمال کورسل: تنها شهید اروپایی دفاع مقدس، ص ۶۹ - ۷۰.

در میان اهل بیت، حضرت زینب علیها السلام نماد تمام عیار تاب آوری است. شاعر اهل بیت علیهم السلام سیدحسن خوشزاد درباره ایشان چنین سروده است:
احترام عشق هم از احترام زینب است
صبر را معنا و مفهومی به نام زینب است
فرش را تا عرش پیمودن نه کار هر کسی است
این مسافت هرچه باشد زیر گام زینب است
عشق یعنی سرفرازی سرشکستن پیش یار
شیوه از سر گذشتن در مرام زینب است
گر چه جایز نیست از بهر زنان امر جهاد
چادر و پوشش نمادی از قیام زینب است

۲. کاهش ترس از مرگ

باور به مقوله شهادت سبب کاهش ترس از مرگ می شود؛ زیرا نقطه پایانی تلاش های دشمنان، ترساندن افراد از فشار حداکثری به قصد فروپاشی و درنهایت مرگ یا نابودی جامعه است. دشمنان این ترس را به وجود می آورند تا طرف مقابل را به تسلیم وادار کنند؛ درحالی که اگر انسان ها از مرگ نهراسند، نقشه دشمن از همان ابتدا با شکست روبرو می شود. از طرف دیگر، عشق به شهادت نه تنها انسان را مقاوم بار می آورد، بلکه سبب ترساندن دشمن نیز می شود؛ چون دشمن احساس می کند هیچ ابزاری برای غلبه روانی ندارد؛ از این رو به اجبار عقب نشینی می کند.

۳. ایجاد حرکت و حس پیروزی

در قاموس فکری باورمندان به شهادت چیزی با عنوان ناامیدی جای ندارد. آنان در مبارزه یا پیروز می شوند یا به شهادت می رسند که آن را هم پیروزی می دانند. قرآن کریم درباره کسانی که امیدوارانه در راهش جهاد می کنند، می فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^۱. ابن عباس درباره شأن نزول این آیه نقل می کند: وقتی آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ...»^۲ نازل شد و این آیه در میان مردم مکه پخش

۱. نساء: ۱۰۰.

۲. «به یقین کسانی که [با ترک هجرت ازدیوار کفر و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند...» (نساء: ۹۷).

شد، مسلمانان مکه را سرزنش کرد که اگر در مکه (قبل از فتح شهر به دست رسول خدا) بمیرید، مسلمان از دنیا نمی‌روید. پیرمردی از قبیله بنی‌لیث به نام جندح بن حمزه گفت به خدا که من از این آیه استثنا نیستم و اگر در مکه بمیرم، جهنمی می‌شوم؛ زیرا دستور خداست که به مدینه مهاجرت کنیم. اما به‌سختی بیمار بود؛ از این‌رو به فرزندانش امر کرد او را بر تخت بنشانند و به مدینه ببرند. مقداری از مسیر را که پیمودند و به منطقه تنعیم (ده‌کیلومتری مکه) رسیدند، همان‌جا به حال احتضار افتاد. رو به مدینه کرد و گفت: خدایا، این هم عمل به فرمان رسول خدا ﷺ؛ من بیعت می‌کنم با تو بر همان بیعتی که پیامبر با تو بیعت کرد. پیرمرد به همین حال از دنیا رفت. این ماجرا در میان مردم سروصدایی به پا کرد. مشرکان گفتند عملش فایده ندارد؛ چون به مدینه نرسید. مؤمنان هم می‌گفتند اگر به مدینه می‌رسید، پاداش از خدا می‌گرفت؛ ولی نرسید. خدای متعال در پاسخ به این جوسازی‌ها، آیه پیش‌گفته سوره «نساء» را نازل کرد: «کسی که برای رضای خدا از خانه‌اش مهاجرت کند، سپس بمیرد، پاداشش با خدای متعال است»^۱. درحقیقت این فرد که از فضل خدا ناامید نشد و کارش را تحت هر شرایطی انجام داد، خدای متعال نیز پاداش او را داد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ق.
۲. بابایی، احمد، برگزیده تفسیر، ج ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی‌امر با رهبر انقلاب؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9769>
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۵. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انوار درخشان، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. حسینی، محمدصادق، کمال کورسل: تنها شهید اروپایی دفاع مقدس، قم: بین‌الحرمین، ۱۳۹۳ ش.

۱. عبدالقادر آل‌غازی، بیان المعانی، ج ۵، ص ۵۹۸-۵۹۹.

۷. سقای بی‌ریا، محمدجواد؛ مصطفی کریمی؛ محمدناصر سقای بی‌ریا، «نقش شناخت‌های برآمده از ایمان به آخرت در تاب‌آوری و صبر از دیدگاه قرآن»، فصلنامه معرفت، س ۳، ش ۱۰، ۱۴۰۰ ش.

۸. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحرالعلوم، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۹. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۱۰. فخرالدین رازی، ابو عبدالله، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۱۱. فراهانی، حسن، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵ ش.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

۱۳. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.

امام حسین علیه السلام الگوی شجاعت و قاطعیت با دشمن

حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

اشاره

یکی از مسائل حتمی برای جامعه ایمانی، وجود دشمن است؛ چراکه سطح بینش‌ها، انگیزه‌ها و گرایش‌ها متفاوت است و کسانی که آلوده به صفاتی مانند روحیه استکباری، نژادپرستی، زیاده‌خواهی و منفعت‌طلبی هستند، نمی‌توانند آرامش، سلامت و رشد و تعالی معنوی و پیشرفت مادی افراد و جامعه را ببینند و همیشه آماده توطئه، اختلال و آسیب‌رسانی به افراد، حکومت‌ها و جامعه ایمانی هستند؛ از این رو همواره بر ایجاد تفرقه و جنگ داخلی و جلب منافع و سلطه خود می‌کوشند. بر همین اساس، تعالیم اسلامی به وجود دشمن هشدار می‌دهند و راهکارهای مناسبی را به فراخور دشمنی و اقداماتش در نظر گرفته‌اند؛ همچنین غفلت و سستی ورزیدن در برابر آن را خطرناک و زیان‌آور توصیف کرده‌اند.

اسلام افزون بر وجود تعالیم سازنده برای چگونگی رفتار با دشمنان، به بیان الگوهایی از انسان‌های کامل از پیامبران مانند حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌پردازد که می‌تواند به مثابه منشوری درخشان برای گزینش مسیر درست مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین راه «احدی الحسنین» (پیروزی یا شهادت) را به همراه داشته باشد و زندگی سعادت‌بخش و مورد رضایت الهی را فراهم آورد.

امام حسین علیه السلام شخصیتی دارای شجاعت و قاطعیت با دشمن در گفتار و عمل بوده است که می‌تواند آینه تمام‌نمای انسان کامل و نیز الگویی بسیار مناسب در رفتار و مبارزه با دشمنان باشد؛ به گونه‌ای که از هرگونه رفتار افراطی و تفریطی جلوگیری می‌کند و فرجام احدی الحسنین را به همراه داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى أَحَبِّ

* محقق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْخُسَيْنِ: ^۱ کسی که دوست دارد به محبوب‌ترین اهل زمین در نزد آسمانیان را نگاه کند، به حسین نظر نماید». فرمانده عشاق دل آگاه حسین است بی‌راهه مرو، ساده‌ترین راه حسین است از مردم گمراه جهان راه مجوید نزدیک‌ترین راه به الله حسین است

۱. مفهوم‌شناسی

الگو

الگو به معنای سرمشق، شخص یا چیزی است که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزها قرار می‌گیرد. ^۲ در لغت عربی به معنای «اسوه» و «قدوه» آمده است. ^۳

شجاعت

شجاعت یعنی دلاوری ^۴ و ویژگی‌های اخلاقی ناشی از جرئت، دلیری و ثبات است. ^۵ در علم اخلاق، «شجاعت» در برابر «تهوّر» (بی‌باکی) و «جبن» (ترسوئی)، ^۶ به معنای اطاعت قوه غضب از عقل در اقدام بر کارهای خطیر است تا عملش ستوده و صبرش نیز پسندیده باشد. ^۷

قاطعیت

به معنای نفوذ شخص بر زیردستان و همکاران است؛ به گونه‌ای که دستورهای او را در زمان معین و به درستی انجام دهند؛ همچنین به مفهوم انجام کار با پشتکار، جدیت و استواری است. ^۸

دشمن

دشمن یعنی آن‌که عداوت می‌کند و ضرر می‌رساند ^۹ یا در برابر کسی یا چیزی حس مخالفت،

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۷۳.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۳۲۴۸.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۹۵؛ ج ۷، ص ۳۳۳.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۹، ص ۱۴۱۶۷.

۵. مینو افشاری‌راد و علی اکبر آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۷۷.

۶. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۱۱.

۷. همان، ص ۹۷.

۸. همان، ج ۶، ص ۵۴۵۳.

۹. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۷، ص ۱۰۹۰۸.

بدخواهی و کینه‌توزی دارد.^۱ بنابراین هر کسی چنین صفاتی را داشته باشد، دشمن خواهد بود، گرچه داخلی باشد؛ همان‌طور که رهبر شهیدمان فرمودند: «هر کسی فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور آمریکاست».^۲

۲. اهمیت شجاعت

شجاعت از صفاتی است که می‌تواند در استیفای حقوق خود، خانواده، دین، کشور و مردم بسیار اثرگذار باشد. فرد در جایگاه رهبری و مسئولیت که دارای شجاعت باشد، می‌تواند الگوی خوب و نقش‌آفرینی در بسیج نیروها و حرکت‌های مردمی در مقابل دشمنان باشد.

شجاعت به اندازه‌ای ارزش دارد که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد بین افرادی که اسپرش بود، یکی از آنان را به دلیل داشتن پنج خصلت، یعنی بخشش، غیرت در برابر خانواده، خوش خلقی، راست‌گویی و شجاعت آزاد کند.^۳

خداوند در قرآن از گروهی از مؤمنان که دارای شجاعت و قاطعیت در برخورد با دشمنان هستند، ستایش می‌کند و می‌فرماید: «... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۴ خدا به زودی گروهی می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان هم خدا را دوست دارند. در برابر مؤمنان فروتن‌اند و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند. همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند».

در روایتی آمده است: «خداوند پیامبر اکرم را به ده خصلت اختصاص داده است: یقین، قناعت، بصیرت، شکر، بردباری، سخاوت، حسن خلق، غیرت، جوانمردی و شجاعت؛ شما هم خود را امتحان کنید که اگر در شما چنین خصلت‌هایی وجود دارد، خدا را ستایش نمایید و اگر وجود ندارد، از خداوند درخواست کرده و به آن رغبت داشته باشید».^۵

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «الشَّجَاعَةُ زِينَةُ: شجاعت زینت است»؛^۶ همچنین فرمودند:

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۲۰۷.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۸۵.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴. مانده: ۵۴.

۵. علی بن موسی، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵۳.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۹.

«الشجاعة نصره حاضرة و فضيلة ظاهرة: شجاعت نصرتی حاضر و فضیلتی آشکار است»^۱. در روایت دیگری فرمودند: «السَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ غَرَائِزُ شَرِيفَةٌ يَضَعُهَا اللَّهُ سَبْحَانَهُ فَيَمُنُّ أَحِبَّهُ وَ أَمْتَحِنَهُ»^۲ سخاوت و شجاعت غرایز شریفی هستند که خداوند آن را در کسانی قرار می‌دهد که آنان را دوست داشته و امتحان کرده است». فایده شجاعت، غیرت داشتن است که فرمود: «ثمرة الشجاعة الغيرة»^۳ و زکاتش، جهاد در راه خداست: «زكاة الشجاعة الجهاد في سبيل الله»^۴. از منظر استاد مطهری^۵، شجاعت را می‌توان یکی از شروط مبلغ و پیام‌رسان دانست و آیه «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۶ آنان که رسالات و پیام‌های الهی را به مردم می‌رسانند و از خدای خودشان می‌ترسند و از احدی جز خدا بیم ندارند»، بیان‌کننده این شرط است.^۶

البته باید توجه داشت که شجاعت و قاطعیت در برابر دشمن زمانی ارزش دارد که با بینش الهی و عزت‌مندانه همراه باشد؛ یعنی شخص شجاع مرگ در راه خدا را در مقایسه با زندگی، سبب افتخار و عزت بداند؛ درست همانند امام حسین^{علیه السلام} که فرمود: «مَوْتُ فِي عِرِّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ: مردن با عزت بهتر از زندگی با ذلت است». همچنین فرمود: «وَلَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أُفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ: نه به خدا قسم، من خودم را به دست خویشتن ذلیل شما نخواهم کرد و نظیر غلام‌ها فرار نخواهم نمود»؛ یعنی نه ذلت و نه تسلیم. در اشعاری نیز فرمودند:

انسى لا ارى الموتَ الا سعادةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ الا بَرَمًا^۷
الموت خیر من ركوب العار و العار اولی من دخول النار^۸

۳. نمونه‌هایی از شجاعت و قاطعیت امام حسین^{علیه السلام}

داشتن مواضع روشن، شجاعانه و قاطعانه از سوی رهبران الهی و انسان کامل در برابر دشمنان از

۱. همان، ص ۷۸-۸۸.

۲. همان، ص ۹۸.

۳. همان، ص ۳۲۷.

۴. همان، ص ۳۹۰.

۵. احزاب: ۳۹.

۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۷. حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۸.

۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

مسائل مهم در عرصه سیاسی و روشن‌کننده تکالیف پیروان و دوستان است. تاریخ و سیره رفتاری امام حسین علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت مواضع شجاعانه و قاطعانه‌ای در برابر دشمن در زمان معاویه و بعد از او در برابر یزید داشتند که در ادامه به بخش‌های مهمی از آنها اشاره شود

۳-۱. شجاع امام حسین علیه السلام در برابر معاویه

امام حسین علیه السلام با اینکه مانند برادر بزرگوارش امام حسن مجتبی علیه السلام معتقد به دشمنی معاویه با اسلام و پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام بود، در دوره امامت برادرش کاملاً از سیاست وی دفاع می‌کرد؛ حتی پس از شهادت ایشان هم تا زمانی که معاویه زنده بود، به صلح‌نامه وفادار ماند. اما گاهی بین امام حسین علیه السلام و معاویه، گفتمان و نامه‌هایی ردوبدل می‌شد که نشان‌دهنده شجاعت و قاطعیت حضرت است. امام خطاب به معاویه نوشتند:

.... آیا تو نبودی که از روی ظلم، حجر بن عدی و یاران او که در براندازی ظلم و مخالفت با بدعت‌ها مبارزه کردند و از هیچ خطری نمی‌هراسیدند، به قتل رساندی؟ آن هم بعد از آنکه با قسم‌های شدید به آنان امان دادی. آیا تو قاتل عمرو بن حمق خزاعی نیستی؟ او که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود که عبادتش او را ضعیف و چهره‌اش را تغییر و جسمش را لاغر کرده بود. آیا تو کسی نیستی که مدعی اخوت زیاد بن سمیه شدی؟ فردی که در فراش عبید، عبد ثقیف به دنیا آمده و گفتی که او فرزند پدر توست؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود: فرزند به دنیا آمده از آن کسی است که در فراش او متولد شده و زانی باید سنگسار شود. تو سنت پیامبر را ترک و با فرمان او به عمد مخالفت کردی. بعد از آن زیاد را به بصره و کوفه مسلط کردی، در حالی که او دست‌های مسلمین را قطع و چشمان آنها را نابینا نموده و آنها را به شاخه‌های نخل آویزان می‌ساخت. ای معاویه، ... من برای تو جز این نمی‌گویم که تو در حق خود خسران کردی، دینت را ضایع کردی و امانتی را که در دست داری مورد سوءاستفاده قرار دادی.^۱

۳-۲. شجاعت امام حسین علیه السلام در برخورد با والی مدینه

بعد از مرگ معاویه، یزید در نخستین اقدام خود در ۱۵ رجب سال ۶۰ هجری قمری، برای ولید

۱. همان، ص ۲۱۲؛ محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ص ۲۳.

بن عتبه والی مدینه نامه نوشت که از آن حضرت بیعت بگیرد. امام حسین علیه السلام بعد از اطلاع از دعوت والی مدینه، به ملاقاتش رفت که در آن جلسه مروان بن حکم از بزرگان بنی امیه نیز حضور داشت. گفتگوهایی بین امام حسین و ولید ردوبدل شد. حضرت بیعت را در چنین زمان و دور از انظار مردم نپذیرفت. مروان اشاره کرد در صورت خودداری حضرت از بیعت، گردنش را بزند و او را به قتل برساند. امام متوجه جریان شد به مروان فرمود: آیا تو می خواهی مرا به قتل برسانی؟ و خطاب به والی مدینه کرد و با شجاعت و قاطعیت تمام رذایل یزید را برشمرد: «أَيُّهَا الْأَمِيرُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبُطِ الرَّحْمَةِ بِنَافْتِحِ اللَّهِ وَبِنَايَحْتِمِمْ. وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُغَلِّبٌ بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لِأَيَّامٍ مِثْلَهُ وَلَكِنْ نُصْبِحُ وَنُصْبِحُونَ وَنَنْظُرُ وَتَنْظُرُونَ أَيُّنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ»^۱.

۳-۳. شجاعت در برابر لشکر دشمن

امام حسین در مقابل لشکر دشمن می ایستد و فریاد برمی آورد: «الَا وَ أَنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ! يَا أَبَى اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ»^۲: مردم کوفه، آن ناکس پسر ناکس امیر شما، به من گفته است که از این دو کار یکی را انتخاب کن: یا شمشیر یا تن به ذلت دادن. هیهات که ما زیر بار ذلت برویم. خدای من که در راه رضای او قدم برمی دارم، راضی نیست و می گوید نکن؛ پیغمبر که وابسته به مکتب او هستم، می گوید نکن؛ آن دامن هایی که من در آنها بزرگ شده ام، دامن علی که روی زانوی او نشسته ام، به من می گوید تن به ذلت نده»^۳. در جای دیگری فرمودند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ؟ لِيُرْعَبِ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا، إِنْ لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»^۴: ای مردم، نمی بینید که به حق عمل نمی شود و کسی از باطل روی گردان نیست؟ در چنین شرایطی، مؤمن [نگفت حسین یا امام] باید لقای پروردگارش را بر چنین زندگی ای ترجیح بدهد. من مردن را برای خودم سعادت و زندگی با ستمگران را موجب ملامت می بینم».

۱. القاضی نورالله المرعشی شوشتری (تستری)، إحقاق الحق، ج ۳۳، ص ۶۷۳ - ۶۷۴.

۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۱۶۷.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۹ - ۵۰.

۴. حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۸.

مرا عار آید از این بندگی که سالار باشم کنم زندگی^۱

۳-۴. شجاعت در اوج غربت

اوج غربت و تنهایی امام حسین علیه السلام در لحظه‌های واپسین روز عاشورا است که حضرت با انبوهی از مصیبت‌ها و فراق مظلومانه فرزندان، برادران، خویشاوندان و اصحاب خود قرار گرفته است. اما روز عاشورا، روز معراج حسین بن علی علیه السلام است؛ روزی که ما باید از غیرت، مقاومت، شجاعت و دلیری حسین پرتوی بگیریم و بیدار شویم.^۲

نقل شده است روحیه شجاعت و قاطعیت حضرت در روز عاشورا بسیار شگفت‌انگیز است؛ یکی از حاضران صحنه کربلا که در واقع به مثابه خبرنگاری قضایا را نقل می‌کند، می‌گوید: «وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْتُورًا قَطُّ قَدْ قُتِلَ وَوَلَدُهُ وَاهْلُ بَيْتِهِ وَاصْحَابُهُ اَزْبَطُ جَاشَأً مِنْهُ»^۳ به خدا سوگند هیچ مغلوبی را مانند حسین که فرزندان و خاندان و یارانش شهید شده باشند پابرجا تر و قوی‌دل‌تر ندیدم».

به یقین بر اساس شواهد تاریخی، کسی جرئت نبرد تن‌به‌تن با اباعبدالله علیه السلام را نداشت؛ از این رو ابتدا چند نفر آمدند و جنگیدند؛ ولی آمدن همان و از بین رفتن همان. پسر سعد فریاد کرد: چه می‌کنید؟ پسر علی است، روح علی در پیکر اوست. با او تن‌به‌تن نجنگید. بنابراین جنگ ناجوانمردانه و با ابزار گوناگون شروع شد؛ سنگ‌پرانی، تیراندازی و...؛ جمعیتی چند هزار نفره که می‌خواهند يك نفر را بکشند. همین‌ها وقتی اباعبدالله حمله می‌کرد، درست مثل يك گلّه روباه که از جلوی شیر فرار می‌کند، فرار می‌کردند.^۴

۳-۵. شجاعت و آزادگی در واپسین لحظات عمر

در تاریخ آمده است حضرت در آخرین لحظات که اندک رمقی دارد و احساس می‌کند دشمن به سوی خيام اهل بیته هجوم می‌برد، با همان صدای نحیف، شجاعانه و قاطعانه خطاب به دشمنان می‌فرماید: «وَيُحَكِّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ،

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (حماسه حسینی ۱-۲)، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين، ج ۲، ص ۳۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۴، ص ۳۴۵.

۴. محمدجواد مغنیه، الحسين علیه السلام و بطله کربلاء، ص ۴۷-۴۸؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۱۹۱.

فَكُونُوا أحراراً في دُنْيَاكُمْ هذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ؛^۱ ای بر شما! ای شیعیان و پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی ترسید لااقل در دنیای خود آزاده باشید و اگر خود را عرب می دانید به خلق و خوی عربی خویش پایبند باشید».

نتیجه

امام حسین علیه السلام آینه تمام‌نمای حق است که به ما می آموزد بعد از شناخت دشمن و اعلان جنگ و اقدامات او، هرگز نباید دچار شک، ترس، تزلزل، سستی و عقب‌نشینی شد و گرفتار فرجام زیان‌بار و جبران‌ناپذیر گشت.

آینه حق‌نما، حسین است حسین جان و تن مصطفی، حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر بی شبهه حسین است حسین

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، محقق/ مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. _____، النخصال، محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مصحح: هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم: علامه، [بی تا].
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: سید مهدی رجائی، چ ۲، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۷. جمعی از نویسندگان، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، مترجم: علی مؤیدی، چ ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

امام حسين عليه السلام الكوى شجاعت و قاطعيت با دشمن ■ ٥٧

٨. حلوانى، حسين بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٨ ق.
٩. شوشترى (تستري)، القاضى نورالله المرعشى، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: مكتبة آيت الله المرعشى النجفى، ١٤٠٩ ق.
١٠. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت: دارالكتب العلمية، [بى تا].
١١. مسعودى، على بن حسين، اثبات الوصية، ج ٣، قم: انصاريان، ١٤٢٦ ق.
١٢. مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، قم: صدرا، ١٣٧٢ ش.
١٣. مغنيه، محمدجواد، الحسين عليه السلام و بطلة كربلاء، محقق: سامرى عزيزى، [بى جا]: دارالكتاب الإسلامى، ١٤٢٦ ق.
١٤. نراقى، ملا محمد مهدي، جامع السعادات، ترجمه: سيدجلال الدين مجتبوى، ج ٤، تهران: [بى نا]، ١٣٧٧ ش.

تبلیغ و تزیین

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال پنجم - شماره هشتم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

تاریخچه عزاداری: از سیره معصومان علیهم السلام تا ایران امروزی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی *

اشاره

روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام در تشویق به برگزاری عزای سالار شهیدان و بیان اجر معنوی آن صادر شده است. در سیره معصومان علیهم السلام نیز نمونه‌های متعددی نشان می‌دهد که هرگاه شرایط اجازه می‌داد، عزاداری می‌کردند و گاهی از جانب آنها مجلس عزا برگزار می‌شد و گاهی عزاداران و شاعران مرثیه‌گو را تکریم می‌کردند. از همان سال اول شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام، عزاداری برای شهیدان کربلا آغاز شد و شیعیان همواره عزاداری می‌کردند؛ اما از آنجا که خلفای عباسی اجازه برپایی این عمل به شکل عمومی را نمی‌دادند، جلسات عزاداری خصوصی برگزار می‌شد و هر زمان که شرایط ایجاب می‌کرد، شیعیان اقامه عزا می‌کردند.

ایرانیان از همان ابتدای اسلام به اهل بیت علیهم السلام علاقه‌مند شدند؛ زیرا رفتار حضرت علی علیه السلام با آنها عادلانه و برادرانه بود. این رفتارها گرایش ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام را در پی داشت؛ از این رو پس از شهادت امام حسین علیه السلام تا حد امکان در قیام‌های برای خونخواهی امام حسین علیه السلام شرکت می‌کردند و از همان آغاز خود را عزادار حادثه عاشورا می‌دانستند.

عزاداری حسینی در گفتار و رفتار معصومان علیهم السلام

سوگواری و عزاداری برای ازدست‌دادن عزیزان؛ عملی فطری است؛^۱ اما این عمل برای ازدست‌دادن اولیای الهی، نزد خدا اجر دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی، پیشینه عزاداری به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گردد؛ برای نمونه در گزارشی آمده است پس از غزوه احد، زنان مدینه برای کشته‌هایشان سوگواری می‌کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن این صحنه گفت: حمزه گریه‌کنی ندارد؛

* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. جعفر سبحانی، بحوث قرآنیة فی توحید و الشکر، ص ۱۴۰.

از این روزنان برای حمزه بن عبدالمطلب هم سوگواری کردند.^۱

فراق معصومان علیهم السلام برای پیروان آنها بسیار سخت است؛ اما شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش در روز عاشورا حادثه‌ای منحصر به فرد است که عزاداری و احیای امر و زنده‌نگه‌داشتن آن را معصومان علیهم السلام سفارش کرده‌اند؛ بر همین اساس روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام بیان‌کننده اجر اخروی فراوانی برای این امر است؛ از جمله امام رضا علیه السلام به ریان بن شیب می‌فرماید: «ای پسر شیب، اگر برای چیزی گریه می‌کنی، برای حسین بن علی علیه السلام گریه کن... ای پسر شیب، اگر چنان بر حسین علیه السلام گریه کنی که اشک‌هایت بر گونه‌ات جاری شود، خداوند همه گناهان کوچک و بزرگت را می‌بخشد».^۲

ائمه علیهم السلام خود نیز بر این امر مبادرت می‌ورزیدند. بنا بر روایتی از امام رضا علیه السلام، امامان و اهل بیت علیهم السلام آن قدر در رثای امام حسین علیه السلام گریه کردند که پلک‌هایشان زخم شد، اشکشان جاری گردید و اندوه و گرفتاری بسیاری برایشان در پی داشت.^۳ در ادامه به برخی از نمونه‌های تاریخی اشاره می‌شود.

امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در زمان امامت خود همواره در صدد زنده‌نگه‌داشتن حماسه کربلا بود و از هر فرصتی برای عزاداری استفاده می‌کرد و همواره می‌کوشید یاد و خاطره شهیدان کربلا را زنده نگه دارد. این امام بزرگوار در مصیبت پدرش، چهل سال گریست؛ در حالی که روزها روزه‌دار و شب‌ها شب‌زنده‌داری می‌کرد. هنگام افطار که غذا برایش می‌بردند، می‌فرمود: «پسر پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی به شهادت رسید که گرسنه بود؛ در حالی که تشنه بود، به شهادت رسید و پیوسته این مسئله را تکرار می‌کرد و گریان می‌شد تا اشک چشمش با غذا آمیخته می‌شد و این وضعیت تا آخر عمرشان برقرار بود تا به شهادت رسید».^۴

شاید امام سجاد علیه السلام نخستین کسی باشد که عزاداران حسینی را اطعام کرده است؛ زنان بنی‌هاشم همواره عزادار بودند و در عزاداری امام حسین علیه السلام به سوگ می‌نشستند.^۵ در این هنگام

۱. اسماعیل ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۵۵.

۲. محمد بن علی شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹ - ۳۰۰.

۳. همو، الامالی، ص ۱۲۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹.

۵. محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۳۲۵.

امام زین العابدین با آن جایگاه رفیع، برای آنها غذا طبخ می کرد.^۱ حضرت آن قدر در عزای پدر سوگواری و گریه کرد که امام صادق علیه السلام ایشان را یکی از «بکائین پنج گانه: زیاد گریه کنندگان» معرفی می کرد.^۲ به ایشان عرض کردند: یابن رسول الله، آیا هنوز پایان حزن و اندوه شما فرانسیده است؟ فرمود: یعقوب علیه السلام دارای دوازده فرزند بود؛ خداوند یکی از آنان را از جلوی چشمش دور و پنهان نمود؛ (درحالی که) فرزندش حیات داشت، چشمان یعقوب از اندوه سفید شد؛ اما من در جلوی چشمانم شاهد بودم که پدرم، برادرم، عمویم، هفده تن از اهل بیتم و گروهی از یاران پدرم را به قتل رساندند و سرهایشان را از تن جدا کردند؛ چگونه اندوه من پایان یابد؟^۳

حضرت سجاد علیه السلام گاهی تشنگی کربلا را به یاد می آورد و می فرمود: «چرا گریه نکنم؛ درحالی که پدرم را از آبی منع کردند که برای تمام درندگان و حیوانات آزاد بود؟»^۴

امام صادق علیه السلام

زید الشحّام از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید روزی نزد ایشان بودیم که جعفر بن عثمان وارد شد و نزدیک امام نشست. امام به او فرمود: شنیده ام که تو درباره حسین علیه السلام شعر می گویی. جعفر گفت: آری. با درخواست امام، جعفر اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام خواند و امام و جمع حاضر گریه کردند. اشک بر چهره امام جاری گشت و فرمود: «ای جعفر، فرشتگان مقرب الهی سخن تو را شنیدند و گریه کردند؛ همچنان که ما گریه کردیم. سپس فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْخُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ: کسی که برای حسین علیه السلام شعر بگوید، خود گریه کند و دیگران را بگریاند، خدا بهشت را بر او واجب می کند و گناهایش را می آمرزد.»^۵

مرثیه خوانی به نام هارون مکفوف نیز نقل می کند به محضر آن حضرت شرفیاب شدم، فرمود: برایم مرثیه بخوان. برایش خواندم. فرمود: «لا، کَمَا تَنْشُدُونَ وَ کَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ: این نمی خواهم، آن گونه که در کنار قبر آن حضرت علیه السلام مرثیه می خوانید، بخوان» و من خواندم: «أُمُرُّ

۱. احمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۹.

۲. محمد بن علی شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۶۶.

۵. محمد کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۵۷۵.

عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ . فَقُلْ لَأَعْظِمَهُ الرَّكِيهَ: از کنار قبر حسین علیه السلام گذر کن و به آن استخوان‌های پاک او بگو...»؛ دیدم آن حضرت به گریه افتاد، سکوت کردم؛ ولی فرمود: ادامه بده.^۱

امام کاظم علیه السلام

امام رضا علیه السلام درباره سیره عزاداری پدرشان موسی بن جعفر علیه السلام برای حادثه جان‌گداز کربلا می‌فرماید: «هرگاه ماه محرم شروع می‌شد، پدرم موسی بن جعفر را خندان نمی‌دیدیم و عزادار بود تا اینکه اوج مصیبت او در روز عاشورا بود و می‌فرمود امروز روزی است که حسین علیه السلام به شهادت رسید».^۲

امام رضا علیه السلام

دعبل خزاعی می‌گوید در ایام عزای امام حسین علیه السلام محضر حضرت رضا علیه السلام رسیدم، فرمودند: «... يَا دَعْبِلُ أَحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامَ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَغْدَائِنَا خُصُوصًا بِنِي أُمِّيَّةَ يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى عَلَيَّ مُصَابِنَا وَ لَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَيَّ اللَّهُ: ^۳ ای دعبل، دوست دارم برایم شعری بسرایی؛ زیرا این ایام، روزهای اندوه و ماتم ما و شادی دشمنان ما به‌ویژه بنی‌امیه است. ای دعبل، کسی که گریه کند یا دیگران را بر مصایب ما بگریاند، حتی اگر یک نفر باشد، اجر او بر خدای متعال است».

حضرت مهدی علیه السلام

بی‌شک امام زمان علیه السلام سیره پدران بزرگوار خود را استمرار بخشید و بر جد بزرگش حسین بن علی علیه السلام می‌گرید؛ چنان‌که در زیارت «ناحیه مقدسه» آمده است آن حضرت خطاب به جدشان امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لَأَتُذَبِّتَكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً، وَ لَأَبْكِيَنَّ عَلَيَّكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا؛ هر صبح‌گاه و شام‌گاه بر تو ای جد بزرگوار می‌گریم و آن‌چنان گریه می‌کنم که به جای اشک، خون از چشمانم جاری شود».

بنابراین عزاداری ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد و امامان معصوم علیهم السلام هم خود به اقامه آن می‌پرداختند و هم مردم را به برپایی آن تشویق می‌کردند.

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۵

۲. محمد بن علی شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۲۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۴. محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۷۰۱.

علاقه ایرانیان به امام حسین علیه السلام

علاقه ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام تاریخچه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارد. این علاقه از صدر اسلام آغاز شد و در طول تاریخ ادامه یافت تا به امروز که ایرانیان پرچم دار اسلام و شیعه امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند. این علاقه ریشه در رفتار عدالت‌محور اهل بیت علیهم السلام داشته است؛ از جمله هنگامی که دوزن یکی عرب و دیگری عجم برای دریافت سهم بیت‌المال خدمت حضرت رسیدند، امام به هر دو مساوی عطا کرد، اما بانوی عرب زبان به اعتراض گشود؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: «من برای فرزندان اسماعیل در این مال برتری بر فرزندان اسحاق نمی‌بینم»؛^۱ کنایه از اینکه همه با هم برابرند و عرب بر عجم برتری ندارد. این شیوه، گرایش ایرانیان به امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در پی داشت.

ایرانیان در بیشتر معادلات تاریخی در سمت اهل بیت علیهم السلام قرار داشتند؛ از این رو هنگامی که مختار پرچم «یالثارات الحسین علیهم السلام» را برافراشت،^۲ ایرانیان چنان زیر این پرچم جان‌فشانی کردند که در سپاه ابراهیم بن مالک اشتر به ندرت کسی پیدا می‌شد که عربی صحبت کند؛ زیرا همه فارس‌زبان بودند.^۳ همچنین هنگامی که یحیی بن زید نوه امام حسین علیه السلام در خراسان به شهادت رسید، در شرق ایران همه نوزادهای پسر را یحیی نامیدند.^۴ آنان سپاه بر تن کردند و تا هنگام قیام ابومسلم این لباس عزا را از تن بیرون نکردند.^۵ ابومسلم نیز بر موج این علاقه سوار شد و با شعار «یالثارات الحسین علیه السلام» ضد بنی‌امیه قیام کرد.^۶ خراسانیان ابتدا یک هفته عزاداری کردند^۷ و سپس با پیوستن به ابومسلم، دودمان بنی‌امیه را تارومار کردند و آنها را از تخت خلافت به پایین کشیدند.^۸

تاریخچه عزاداری ایرانیان در عزای حسینی

ریشه عزاداری ایرانیان برای امام حسین علیه السلام به فرهنگ حقیقت‌جوی ایرانی برمی‌گردد که در مکتب

۱. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۵۰.
۲. محمد بن حسن شیخ طوسی، الامالی، ص ۲۴۵.
۳. احمد دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۹۳-۲۹۴.
۴. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۱۳.
۵. محمد بن حبيب بغدادی، کتاب المحبر، ص ۴۸۴.
۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۷، ص ۳۵۸.
۷. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۱۳.
۸. مصطفی محسنی، «رابطه اهل بیت علیهم السلام با ایرانیان»، ص ۹۵.

اهل‌بیت علیهم‌السلام غنا و ارتقا یافت؛ اما این سنت حسنه، الگوبرداری از عزاداری‌های پیش از اسلام در ایران باستان نیست. متأسفانه وهابیت درصدد است این سنت حسنه را برگرفته از رسوم ایران پیش از اسلام بدانند و برخی نیز در داخل کشور به آن دامن می‌زنند؛ از جمله نخل‌گردانی که نشانهٔ محمل و کجاوهٔ کاروان حسینی است را به داستان‌های افسانه‌ای پیش از اسلام مرتبط می‌کنند.^۱ درحالی‌که مراسم عزاداری به ایرانیان اختصاص ندارد و هر جا شیعیان به قدرت رسیدند، با تمسک به امامان علیهم‌السلام در پی احیای عزای حسینی بودند و ایران نیز بخشی از آن بود. بر همین اساس در هر جا با توجه به فرهنگ و مقتضای محیطی، نوعی از عزاداری رواج یافت؛ برای مثال در اردبیل تشت‌گذاری و در اردکان نخل‌گردانی.^۲

سلسلهٔ صفویه را نیز نمی‌توان مؤسس عزاداری‌ها بر اهل‌بیت علیهم‌السلام دانست و کسانی که چنین ادعایی می‌کنند، از تاریخچهٔ عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام در دوران قبل از صفویه در ایران آگاهی ندارند؛ چراکه ایرانیان پیش از صفویه نیز به این امر اهتمام داشتند. ایرانیان به اهل‌بیت علیهم‌السلام علاقه‌مند بودند؛ از این‌رو هنگامی که اهل‌بیت علیهم‌السلام به پیروان خود توصیه کردند برای امام حسین علیه‌السلام عزاداری کنند، ایرانیان به همراهی دیگر مسلمانان و شیعیان جزء نخستین کسانی بودند که به ندای اهل‌بیت علیهم‌السلام لبیک گفتند. ایرانیان هرگاه که قدرت پیدا می‌کردند و زمینه فراهم می‌شد یا به انتقام از خون امام حسین علیه‌السلام اقدام می‌کردند یا به عزاداری برای شهیدان کربلا می‌پرداختند.

هفتصد سال قبل از صفویه، آل‌بویه شیعی - ایرانی در ایران و سپس عراق به قدرت رسیدند و بر بغداد مسلط شدند. یکی از امیران آنها به نام معزالدوله دیلمی، روز عاشورای سال ۳۵۲ قمری عزای عمومی اعلام کرد و از مردم خواست که جامه سیاه بر تن کنند؛ از این‌رو زنان چهره سیاه کردند، از خانه‌ها خارج شدند و بر سر و صورت خود می‌زدند و در عزای امام حسین علیه‌السلام می‌گریستند.^۳

به دستور امیر آل‌بویه، روز عاشورا تعطیلی عمومی اعلام شد؛ از این‌رو در بازارها چادرهایی برپا کردند و مراسم عزاداری برگزار شد.^۴ البته این اختصاص به ایران نداشت که عزاداری آنان را

۱. مصطفی سعادت، «رابطه تابوت‌واره نخل با درخت خرما»، ص ۹ - ۲۶.

۲. امراله تشدید، عملیات در اتاق بزرگ، ص ۸۳۰.

۳. عبدالرحمن ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۳، ص ۴۲۵.

۴. عبدالرحمن ابن‌جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۷، ص ۱۵.

ادامه عزاداری‌های پیش از اسلام بدانیم؛ زیرا در مصر نیز در سال ۳۶۳ قمری؛ المعز لدین‌الله خلیفه فاطمی در روز عاشورا بازارها را تعطیل کرد و مردم به همراه لشکریان و کشوریان بعد از عزاداری در جامعه الازهر به سوی مشهد رأس الحسین علیه السلام می‌رفتند و در آنجا به عزاداری و خواندن شعر و نوحه می‌پرداختند.^۱ عزاداری دولت‌مردان در قصر خلفا و مردم عادی بر سر مزار ام‌کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام و سیده نفیسه (نواده امام حسن مجتبی علیه السلام) برقرار بود.^۲ در دوره سلجوقیان نیز عزاداری در ایران برقرار بود^۳ و این مراسم در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌شد. در دوره تیموریان نیز در هرات و در ماه محرم، برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کردند و حتی شاهزادگان و امرا نیز در آن مراسم شرکت داشتند.^۴ همین امر سبب شد عزاداری در شرق ایران به مثابه یک سنت دایر ادامه یابد و بزرگان هرات از ملاحسین کاشفی خواستند متنی جامع و فارسی برای ذکر مصایب امام حسین علیه السلام بنگارد.^۵ ملاحسین نیز در قرن نهم و پیش از به قدرت رسیدن صفویه، کتاب روضة الشهداء را تألیف کرد که بدون اغراق مهم‌ترین کتاب در تاریخ عاشورا از حیث تأثیرگذاری و شهرت تا آن زمان بود. این کتاب و دلیل تألیف و استقبال بی‌نمونه از آن در جای‌جای ایران، سند مهمی است که مجالس سالانه سوگواری عاشورا به شکل بسیار حاد در آن زمان رایج بوده است.^۶ این کتاب در جامعه ایرانی چنان نشر و توزیع شد که نام مجلس امام حسین علیه السلام را از تعزیه و مرثیه‌خوانی به «روضه‌خوانی» تغییر داد و مرثیه‌خوانان به «روضه‌خوانان» مشهور شدند. از تأثیرات این کتاب، ایجاد موج اهل‌بیت‌دوستی بیشتر در ایران بود^۷ و این کتاب موجی ایجاد کرد که صفویه بر آن سوار شد. حتی تأثیر این کتاب تا هند پیش رفت و دولت مغولان و گورکانیان هند مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام را برپا می‌داشتند.^۸

۱. احمد بن علی مقریزی، إتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲. همان، ص ۳۲۲ - ۳۳۰.

۳. سیدعبدالعزیز الطباطبائی، معجم اعلام الشیعه، ص ۲۹۶.

۴. معین‌الدین محمد اسفزاری، روضات الجنات فی وصف مدینه هرات، ج ۱، ص ۲۶۹.

۵. رسول جعفریان، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضة الشهداء»، ص ۲۶۲.

۶. همان، ص ۳۵۷.

۷. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۸۴۵.

۸. ر.ک: جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ص ۱۹۹-۲۰۲.

کتابنامه

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، حیدرآباد دکن: دائرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۵۸ ق.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، مصحح: عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۷. اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنّات فی وصف مدینه هرات، به کوشش محمد اسحاق، [بی جا]: مطبعه زریاسری، [بی تا].
۸. برقی، احمد، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، ج ۲، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۹. بغدادی، محمد بن حبیب، کتاب المحبر، تحقیق: الیزه لیختن شتیر، بیروت: دارالافاق الجدیده، [بی تا].
۱۰. تشدید، امرالله، عملیات در اتاق بزرگ، اردکان: [بی نا]، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۱۲. جعفریان، رسول، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضه الشهداء»، دوماهنامه آینه پژوهش، ش ۳۳، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران: علم، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. دینوری، احمد، الاخبار الطوال، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۱۶. سبحانی، جعفر، بحوث قرآنیه فی توحید و الشرك، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.
۱۷. سعادت، مصطفی، «رابطه تابوت واره نخل با درخت خرما»، فصلنامه فرهنگ یزد، دوره ۱، ش ۴، ۱۳۹۸ ش.

۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. _____، تهذیب الأحکام، مصحح: حسن الموسوی خراسان، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. الطباطبائی، سید عبدالعزیز، معجم اعلام الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. کشی، محمد، رجال کشی، مصحح: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۶. محسنی، مصطفی، «رابطه اهل بیت علیهم السلام با ایرانیان»، فصلنامه علمی تخصصی پاسخ، س ۷، ش ۲۶، ۱۴۰۱ ش، ص ۸۵-۱۰۰.
۲۷. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، چ ۲، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. مقریزی، احمد بن علی، إتحاظ الحنفاء بأخبار الأئمه الفاطمیین الخلفاء، قاهره: وزاره الاوقاف، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، ترجمه: آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ ش.

جلوه‌های قرآنی در بیانات و زندگی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «قدس سره»

حجت‌الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده*

اشاره

از جمله کسانی که در عصر ما توانست قرآن را در سبک زندگی خویش تجلی نماید و الگویی باشد برای بشر به‌ویژه برای حکمرانان و مدیران جامعه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای امام شهید کشور عزیزمان است. به این امید که همه ما با درس‌آموزی و تأسی از ایشان، بتوانیم به زندگی خویش رنگ‌وبوی قرآنی بدهیم. در این نوشتار تنها به چند جنبه محدود اشاره شده است: اخلاص، اعتقاد راسخ به کارکرد همیشگی قرآن، اعتقاد به نصرت الهی، اعتقاد به عدالت‌محوری و ساده‌زیستی.

نمونه‌های قرآنی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام

رهبر فرزانه انقلاب که خود مفسر بزرگ قرآن و تبیین‌کننده معارف نورانی آن در تمام دوران زندگی بود، کوشید به لحاظ عملی سبک و شیوه قرآن را در عرصه‌های گوناگون زندگی خویش جاری سازد که در این بخش به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱. اخلاص

خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱ بگو در [حقیقت] نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است». رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران در تعریف اخلاص فرمودند: «اخلاص یعنی فقط برای خدا

* عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کارکردن، آنجایی که می‌بینند شائبهٔ منیت است، ... انسان کار را ترک کند، بهتر از این است که کار را برای دیده‌شدن انجام بدهد».^۱ رهبر فرزانه انقلاب، اخلاص را یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی، بلکه اصلی‌ترین فضیلت اخلاقی می‌دانستند که انسان سالک الی‌الله به آن نیاز دارد. از طرفی بی‌اخلاصی را درد بزرگی برای انسان برمی‌شمردند^۲ و در اهمیت آن می‌فرمودند: «جایگاه اخلاص آن‌گاه روشن می‌شود که بدانیم اساساً خدای متعال همیشه روی کارهایی که از روی ایمان و اخلاص است، تأثیرات بزرگی قرار می‌دهد». همچنین دربارهٔ آثار و برکات اخلاص می‌فرمودند: «این را باید دانست که هر کاری را که انسان از روی اخلاص انجام دهد، خدا به آن برکت خواهد داد. هر کاری را که از روی حسابگری‌های مادی باشد، متزلزل است. ممکن است به نتایجی برسد؛ خیلی از اوقات هم به نتیجه نمی‌رسد».^۳ همان‌گونه که در روایت نقل شده است: «من کان لله کان الله له»؛^۴ هر کسی برای خدا باشد، قدرت الهی در خدمت او قرار می‌گیرد و به او کمک می‌کند».

ایشان درباره راهکار دستیابی به اخلاص می‌فرمودند: «اصلی‌ترین راه رسیدن به اخلاص و تقویت آن، دوری از خوش‌آمدهای دیگران است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی می‌فرمایند: "إِنَّ لِكُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً"، هر چیزی دارای حقیقتی است و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد؛ "وَمَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ"، بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمی‌رسد؛ "حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ" مگر اینکه دوست نداشته باشد که مردم او را برای هیچ‌یک از کارهایی که برای خدا انجام می‌دهد، ستایش کنند».^۵ برای مثال کسی کار خوبی را برای خدا انجام می‌دهد و برای رضایت خاطر دیگران نیست، بلکه بر اساس وظیفه بوده است؛ اما «دوست می‌دارد که مردم بگویند ایشان چقدر آدم خوبی است»؛ او کارش را برای مردم نکرده است. کار را برای خدا انجام داده و تمام شده؛ اما از مدح مردم و از اینکه مردم از او تعریف کنند، خوشش می‌آید».^۶

۱. بیانات، ۱۴۰۲/۱۰/۱۰.

۲. بیانات، ۱۳۸۴/۷/۲۹.

۳. بیانات، ۱۳۷۲/۸/۱۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۷.

۵. محمد بن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۴.

۶. بیانات، ۱۳۷۱/۱۲/۴.

۷. بیانات، ۱۳۷۱/۱۲/۴.

۲. اعتقاد راسخ به کارکرد همیشگی قرآن

رهبر فرزانه و شهیدمان اعتقاد راسخ به کارکردهای قرآن در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی داشت و بارها در جمع مردم به تبیین و تشریح این اعتقادش می‌پرداخت که در اینجا به نمونه‌هایی از بیانات ایشان اشاره می‌شود.

الف) هدایت‌گری، غفلت‌زدایی و هشداردهی

این قرآنی که شما تلاوت می‌کنید، کتاب هدایت است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۱؛ همه به هدایت احتیاج داریم. کتاب ذکر است و «ذکر» یعنی ازاله غفلت؛ ما غالباً دچار غفلتیم؛ آحاد بشر غالباً معلومات خودشان را هم از یاد می‌برند و دچار غفلت می‌شوند؛ قرآن کتاب ذکر است، ضد غفلت و مُزِيل غفلت است؛ فرمود: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^۲. قرآن کتاب انذار است: «وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ»^۳؛ احتیاج داریم به انذار که توجه بدهند ما را به خطراتی که تهدید می‌کند آحاد بشر را، چه در این نشئه و چه در نشئه بعد که زندگی حقیقی است.^۴

ب) زنده‌کننده دل و تأمین‌کننده نیازهای معارفی انسان

در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که شاگرد برجسته قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، تعبیرات بلندی در نهج البلاغه درباره قرآن وجود دارد. «رَبِيعُ الْقُلُوبِ: بهار دل‌هاست»؛ همچنان‌که عالم در بهار زنده می‌شود، زمین زنده می‌شود، قرآن هم دل‌ها را زنده می‌کند و از دل‌مردگی، افسردگی و عقب‌رفت نجات می‌دهد؛ «رَبِيعُ الْقُلُوبِ؛ شِفَاءُ الصُّدُورِ»^۵ «فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي؛ دَوَاءٌ دَائِكُمْ وَ نَظْمٌ مَا يَبِينُكُمْ»^۶. اینها تعبیرات نهج البلاغه درباره قرآن است؛ یعنی معارف تمام‌نشدنی مورد نیاز بشر در قرآن موجود است؛ چه معارفی که مورد نیاز بشر به عنوان فرد است، چه معارفی که مورد نیاز بشر به عنوان جامعه بشری است. این عبارت «عِلْمٌ مَا يَأْتِي» که از نهج البلاغه خواندیم، یعنی برآورنده نیازهای همه بشر و همه آینده «عِلْمٌ مَا يَأْتِي». در تمام ادواری که بشر در این کره خاکی

۱. اسرا: ۹.

۲. قمر: ۱۷.

۳. انعام: ۱۹.

۴. بیانات، ۱۴۰۲/۱۲/۳.

۵. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۶. همان، خطبه ۱۵۲.

زندگی می‌کند، قرآن نیازهای او را تأمین می‌کند و پاسخ می‌دهد؛ «عِلْمٌ مَا يَأْتِي» یعنی این. دوازدهم دردهای بزرگ جوامع بشری است. «وَنُظِّمَ مَا بَيْنَكُمْ»؛ نظام اجتماعی، ارتباطات بشری، ارتباطات جوامع، اینها همه در قرآن است. قرآن را بشناسیم.^۱

ج) تشویق‌کننده انسان به ظلم‌ستیزی

قرآن مخالف با ظلم است؛ از این‌رو انسان‌ها را به مقابله با ظلم تشویف می‌کند؛ «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»،^۲ قرآن بیدارکننده مردم است.^۳

د) پاسخ‌دهنده به نیازهای زندگی انسان

قرآن معجزه پیغمبر است. دین پیغمبر دین ابدی است، معجزه او هم بایستی ابدی باشد؛ یعنی چه ابدی؟ یعنی اینکه شما هر وقتی از دوران طولانی تاریخ تا آن وقتی که این دین برپاست، یعنی تا ابد، در هر دوره‌ای معارف مورد نیاز خودتان را برای زندگی بتوانید از قرآن پیدا کنید؛ زندگی یعنی چه؟ زندگی یعنی همان معنای وسیع زندگی: زندگی معنوی، زندگی متعالی الهی، زندگی مادی، خانواده، حکومت، ارتباطات اجتماعی، تا اتصال به خدای متعال؛ آن صحفه وسیع و گستره عظیم زندگی انسان اینهاست. قرآن باید بتواند و می‌تواند که درباره همه این محدوده عظیم پاسخ بدهد به سؤالات شما و راهنمایی کند به معارف بلند الهی. عالی‌ترین مفاهیم مربوط به زندگی انسان را قرآن می‌تواند به ما معرفی کند که البته این، با تعلّم و تفقّه به دست می‌آید؛ این را فراموش نکنید.^۴

۳. اعتقاد راسخ به نصرت و همراهی خداوند

از آنجاکه خداوند خالق همه عالم است، به طور طبیعی با همه موجودات هست و تدبیر امور آنان را دارد؛ همان‌گونه که در آیات زیادی به آن تصریح شده است. بنابراین معیّتی که با اهل تقوی دارد که می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۵ یک معیّت ویژه و به معنای حمایت و دفاع از آنان در همه امور است؛ همچنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ

۱. بیانات، ۱۴۰۲/۱۲/۳.

۲. بقره: ۲۷۹.

۳. بیانات، ۱۴۰۲/۷/۱.

۴. بیانات، ۱۴۰۲/۱/۱۴.

۵. بقره: ۱۹۴؛ توبه: ۳۶.

آمنوا^۱ و از این نوع معیت، همان است که در چند مورد در قرآن به آن تصریح شده است؛ حضرت ابراهیم علیه السلام را وقتی نمرودیان خواستند در آتش بیندازند (یا انداختند)، فرشتگانی خدمت او حاضر و عرض کردند از ما کمک می‌خواهی؟ فرمود: خیر خدای من با من است و مرا یاری خواهد کرد؛^۲ موسی علیه السلام وقتی همراه بنی اسرائیل با تعقیب فرعون و سپاهیانش به رود نیل رسیدند و بنی اسرائیل گفتند دیگر راه نجاتی نیست، موسی علیه السلام فرمود: هرگز چنین نیست پروردگارم با من است و مرا به سوی نجات هدایت می‌کند: «فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ قَالَ كُلًّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»^۳.

از همین قبیل است معیت خداوند با رسول خدا صلی الله علیه و آله که وقتی از مکه هجرت کرد و مورد تعقیب مشرکان قرار گرفت و به غار با همراهش پناه بردند، در جواب همراهش که ترسیده بود و فکر می‌کرد که دیگر راه نجاتی نیست، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»^۴.

امام شهید با بهره‌گیری از آیات نورانی قرآن و با اعتقاد راسخ به نصرت و معیت خداوند، مکرر به این نکته قرآنی گوشزد می‌کرد و به جامعه اسلامی امید می‌داد و می‌فرمود: «نگذارید قدرت درونی ایمان و همت عالی شما را دشمن با ترفندهای خودش از بین ببرد؛ محکم بایستید، به خدا توکل کنید و خدای متعال ان‌شاءالله با شماست؛ «أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۵ خدا با اهل تقواست، خدا با اهل حرکت در راه اوست و مجاهدین را ان‌شاءالله نصرت خواهد داد»^۶. در سخنی دیگر فرمود: «وقتی حضرت موسی بنی اسرائیل را برداشت و شبانه به طرف دریا حرکت کردند که از آنجا بگریزند و بروند، حالا فردایش بود، پس فردایش بود، درست در تاریخ مشخص نیست، فرعون‌ها فهمیدند، اینها را دنبال کردند؛ منتها آنها پیاده و با زحمت، اینها با اسب و سواره؛ وقتی که نزدیک شدند و دیده می‌شدند، «فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ»^۷ اصحاب موسی

۱. حج: ۳۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۴.

۳. شعرا: ۶۱ - ۶۵.

۴. توبه: ۴.

۵. بقره: ۱۲۴.

۶. بیانات، ۱۳۹۸/۷/۲۱.

۷. شعرا: ۶۱.

جلوه‌های قرآنی در بیانات و زندگی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «قدس سره» ■ ۷۳

رو کردند به موسی گفتند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ: الان می‌آیند ما را می‌گیرند؛ پدرمان در آمد؛ حضرت موسی فرمود: کَلَّا: هرگز! «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِين» ، خدا با من است. این سنت الهی است».

آن امام شهید درباره نقش تقوا و پاکی در جلب نصرت و معیت الهی فرمود:

وقتی شما اهل تقوا بودید، پاکدامن بودید، رعایت امر و نهی الهی را کردید، خدا با شماست. وقتی خدا با انسان است؛ یعنی پیروزی با انسان است، موفقیت با انسان است، شادکامی با انسان است، بهجت معنوی با انسان است. من مؤکداً شما جوان‌ها را که الحمدلله شماها پاکید، شماها پیراسته هستید، هنوز گرفتار مشکلات امثال ماها نشدید، توصیه می‌کنم تا از این پاکی، از این صفا، از این نورانیت هر چه می‌توانید استفاده کنید. خدای متعال را در دل خودتان، در ذهن خودتان، در عمل خودتان همواره همراه داشته باشید. ان شاء الله پیش خواهید رفت.^۲

ایشان درباره اعتقاد ملت سرافراز ایران به نصرت الهی و نمونه‌های امداد الهی در چهل سال گذشته نظامی اسلامی می‌فرمودند:

ما مورد ظلم هستیم، مظلومیم، اما ضعیف نیستیم؛ ما مقتدریم. بخش اصلی و مهم قوت ملت ایران به خاطر اعتقاد به حمایت الهی است؛ «قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى»؛ خدای متعال با ماست، دارد کمک می‌کند؛ نشانه‌اش هم همین چهل سالی است که این همه علیه ما توطئه کرده‌اند، این همه فشار آورده‌اند، جنگ راه انداخته‌اند، فتنه راه انداخته‌اند، نفوذ درست کرده‌اند، عوامل تروریستی را به جان مردم انداخته‌اند، هزار کار زشت و خیانت‌آمیز با این ملت انجام داده‌اند، این ملت مثل کوه ایستاد و روزه‌روز هم استوارتر شد؛ امروز هم از ده سال پیش، بیست سال پیش قوی‌تر، قدرتمندتر و استوارتر است.^۳

۴. عدالت‌محوری و رفع تبعیض

یکی از مهم‌ترین و شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدف میانی بعثت پیغمبران، عدالت است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

۱. شعرا: ۶۵.

۲. بیانات، ۱۳۹۸/۷/۱۷.

۳. بیانات، ۱۳۹۸/۴/۵.

لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛^۱ اصلاً هدف ارسال رسل و انزال کتب این بود که قیام به قسط بشود، جامعه قائم به عدل و قسط باشد. در قرآن کریم از قول پیغمبر [می فرماید]: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم»؛^۲ این هم امر خداست که بایستی عدالت انجام بگیرد. همه عقلای عالم هم البته این را قبول دارند؛ یعنی حتی ظالم ترین قدرت های عالم و عناصر شریر عالم نمی توانند منکر حسن عدالت بشوند؛ حتی بعضی ها با وقاحت تمام، ادعای عدالت هم می کنند، درحالی که ظالم اند. قرآن کریم عدالت را حتی در مورد دشمنان لازم می داند؛ این کسی که دشمن ماست، در مورد او بی عدالتی نباید بکنیم: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛^۳ با دشمن هم حتی بایستی شما با عدالت رفتار بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه دیگر است و [مخاطب] این هم باز در درجه اول ما مسئولین هستیم. شما هر تصمیمی که می گیرید، هر مقرره ای که انجام می گیرد، چه در مجلس شورای اسلامی که قانون تصویب می کنید، چه در دولت، چه در بخش های مدیریتی گوناگون دیگر در سراسر کشور، یکی از مهم ترین چیزهایی که مورد نظر قرار می دهید، باید مسئله عدالت باشد که آیا این بر طبق عدالت است یا نیست.^۴

عدالت محوری و مبارزه با تبعیض را می توان در بیانات مقام معظم رهبری خطاب به مسئولان کشور مشاهده کرد؛ توصیه به مسئولان در مورد فراهم آوردن فرصت های برابر برای همه مردم در زمینه بهره مندی از مواهب مادی، تأکید بر مبارزه با مفساد اقتصادی، سفارش مکرر به نمایندگان مجلس در خصوص لحاظ نمودن حق محرومان در قوانین، توصیه مکرر به قوه قضائیه برای اجرای عدالت و نام گذاری دهه چهارم انقلاب به نام عدالت و توسعه، نمونه هایی از عنایت ویژه معظم له به مقوله عدالت بوده است.

۶. ساده زیستی و قناعت ورزی

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ای پیامبر، به همسرانت بگو اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید، بیایید با هدیه ای شما را بهره مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها کنم».^۵ این آیه شریفه، در بیان ساده زیستی یک رهبر جامعه اسلامی است که زندگی رهبر

۱. حدید: ۲۵.

۲. شوری: ۱۵.

۳. مانده: ۸.

۴. بیانات، ۱۳۹۵/۹/۲۷.

۵. احزاب: ۲۸.

مسلمانان باید ساده باشد؛ از این رو نباید تحت تأثیر تقاضاهای نابجای همسرش قرار گیرد. رهبر جامعه اسلامی افزون بر ساده‌زیستی خود، خانواده و فرزندان او هم باید دارای چنین ویژگی‌هایی باشند.

رهبر فرزانه و شهیدمان با الهام از این آیه کریمه کوشیدند نهایت زهد و ساده‌زیستی را هم در زندگی خود و هم خانواده خویش رعایت کنند؛ از این رو می‌فرمودند: «من مردم را به قناعت دعوت می‌کنم. قناعت سرفرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می‌داند آینده خود را با قناعت تأمین می‌کند».^۱ مرحوم حاج احمدآقا خمینی درباره سادگی زندگی رهبر معظم انقلاب می‌فرمودند: «بر خود واجب می‌دانم که شهادت دهم زندگی داخلی آیت‌الله خامنه‌ای بسیار ساده است؛ نه از باب این که رهبر عزیز انقلابمان به این حرف‌ها نیازی داشته باشد، بلکه وظیفه خود می‌دانم تا این مهم را به مردم مسلمان و انقلابی ایران بگویم».^۲

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای علیه‌السلام خلف صالح آن امام شهید درباره ساده‌زیستی رهبر شهید علیه‌السلام نکاتی را فرمودند که در این بخش به آن اشاره می‌شود.^۳

الف) اجاق گاز قدیمی

اجاق‌گاز خانه رهبر از همین اجاق‌های سه‌شعله قدیمی رومیزی است که من چند بار از والده خواهش کردم که این را عوض کنید. هنوز اجاق‌گازشان همان سه‌شعله قدیمی است که روی میز می‌گذارند. مادر به رغم اصرارهای زیاد ما، آخر هم قبول نکردند و گفتند اصلاً نمی‌شود.

ب) تلویزیون قدیمی بدون فیش

تا چند سال گذشته، تلویزیون منزل آقا از همان قدیمی‌ها بود. یک دستگاه گیرنده به قیمت آن موقع، حدود پنجاه هزار تومان تهیه شد و من آمدم که آن را به تلویزیون وصل کنم؛ دیدم این تلویزیون این قدر قدیمی است که اصلاً جای فیش آن دستگاه را ندارد. بعد از چند سال از همین تلویزیون‌های معمولی که حالا معمول شده و چند کانال را می‌گیرد، به خانه آقا آمد.^۴

۱. بیانات، ۱۳۷۷/۱/۱.

۲. علی شیرازی، پرتوی از خورشید، ص ۵۲.

۳. مصاحبه با آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، پایگاه فکر و فرهنگ مبلغ، کد خبر ۸۹۸۰۱.

۴. به نقل از آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، پایگاه فکر و فرهنگ مبلغ، کد خبر ۸۹۸۰۱.

ج) صندلی‌های پلاستیکی

آقا از سال ۸۰ به دلیل کمردرد مجبورند به تجویز دکتر روی صندلی بنشینند؛ اما صندلی و میزی که در خانه آقا وجود دارد، پلاستیکی است؛ مثل مغازه‌هایی که می‌خواهند بدون هیچ هزینه‌ی اضافه‌ای صندلی چوبی یا آهنی نخرند، ولی صندلی هم داشته باشند.

د) تخت از سال ۶۰ تا امروز

تختی که آقا روی آن می‌خوابیدند، همان تختی است که از سال ۶۰، یعنی از زمان ترور و جراحت و آسیب ناشی از آن روی این تخت خوابیده‌اند و الان چهل سال است که از آن استفاده می‌کنند.

امیدواریم خداوند سبحان به همه ما به‌ویژه به حکمرانان و مدیران کشور توفیق درس‌آموزی از زندگی سرشار از ارزش‌های قرآنی آن امام شهید و زاهد را عنایت فرماید.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۲. نیشابوری، محمد بن فتال، روضة الواعظین، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶ ش.
۳. فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۹۲ ش.
۴. پورامینی، محمدباقر، سبک زندگی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴ ش.
۵. سایت مقام معظم رهبری.

تبلیغ و تقرب

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال پنجم - شماره هشتم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

شهادت طلبی امام خامنه‌ای با تأسی از امام حسین علیه‌السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین سید تقی واردی*

اشاره

قائد شهید امت، حضرت آیت‌الله امام سیدعلی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)، شخصیت ممتاز و زمامدار امت اسلامی، دارای فضایل شخصیتی، اخلاقی، علمی، مدیریتی، سیاسی و اجتماعی فراوانی است که معظم‌له را عزیز دوران قرار داده است. یکی از اوصاف انسانی و اسلامی معظم‌له، صفت شهادت‌طلبی است که تأثیر شگرفی در عزم راسخ ملت ایران، تقویت جبهه مقاومت، بیداری محرومان جهان و ضعف و عقب‌نشینی جبهه کفر و نفاق داشته است. بی‌تردید این صفت بارز انسانی، میراث گران‌قدر نیاکان طاهرین وی است که با روح و روان معظم‌له عجین شد و او را به مثابه الگوی بی‌نظر جهانی به مردم دنیا شناسانید.

رهبر شهید این صفت بارز انسانی را از جد بزرگوار خود حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام به ارث برد که وقتی در مدینه با درخواست حاکمان و سلطه‌طلبان اموی مبنی بر بیعت با طاغوت زمان یزید بن معاویه مواجه گردید، فرمود: «وَمِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ»^۱.

قائد شهید امام خامنه‌ای نیز تنها یازده‌روز قبل از شهادت عزت‌مندانه خویش، در جمع مردم آذربایجان فرمود: «ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را خوب بلد است؛ می‌داند که چه کار کند. امام حسین علیه‌السلام فرمود: "مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَ يَزِيدَ: کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند". ملت ایران در واقع می‌گویند ملتی مثل ما با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد»^۲.

* عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. علی بن موسی سید بن طاووس، اللهوف، ص ۳۸.

۲. بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۴۰۴/۱۱/۲۸.

چنین رفتار و سخنانی درباره شیطان بزرگ نشان‌دهنده روحیه شجاعت، مقاومت و شهادت‌طلبی است که بین زمامداران کنونی عالم نظیری ندارد. در این نوشتار کوشیده شده است ابتدا به عوامل شهادت‌طلبی و سپس صفات بارز شهادت‌طلبی قائد شهید با تاسی از اجداد طاهرینش به‌ویژه حضرت اب‌عبدالله الحسین علیه السلام بررسی شود و به مثابه یک الگوی شخصیتی و مبارزاتی به عالمان، زمامداران، جوانان و توده مردم انقلابی ایران و سایر ملت‌ها معرفی گردد و راه روشنی برای ره‌پویان حقیقت و خدامحوران عالم بگشاید.

الف) عوامل پدیدآورنده شهادت‌طلبی

پیش از آنکه انسان به مقام شهادت‌طلبی برسد، به‌ناچار باید عواملی را در نفس و روح خود پدید آورد تا قابلیت چنین مقامی نصیبش گردد. سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی می‌فرمود: «شرط شهیدشدن، شهیدبودن است». بنابراین پیش از آنکه جسم انسان به مقام شهادت برسد، باید نفس و روح وی این مقام را درک و برای شهادت لحظه‌شماری کند. تجلی عناصر و عوامل پدیدآورنده روحیه شهادت‌طلبی در شخصیت قائد شهید امام خامنه‌ای به شرح زیر است:

۱. شجاعت

یکی از لوازم شهادت‌طلبی که مقوم آن به شمار می‌آید، شجاعت است؛ یعنی فضیلتی که خداوند متعال بر اساس تلاش و اراده برخی از انسان‌ها به آنان عطا می‌فرماید. شجاعت دارای مراتبی است که شهادت‌طلبی در مرتبه بالای آن قرار دارد و تا انسان به آن درجه دست نیابد، نمی‌تواند شهادت طلب گردد. خداوند متعال در وصف طالوت نبی که وی را برای فرماندهی بنی اسرائیل در نبرد با جالوت برانگیخته بود، در پاسخ بهانه‌جویی‌های بنی اسرائیل فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»^۱ خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده است». علم و توانمندی جسمی به همراه تقوا و پارسایی، از طالوت قهرمانی لایق و شجاع پدید آورد که با یاری خدا و همراهی رزمندگان از جمله حضرت داوود علیه السلام بر استکبار زمان خویش یعنی جالوت برتری یافت.

امیر مؤمنان علیه السلام در فرازی از نامه خود به عثمان بن حنیف فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ

۱. بقره: ۲۴۷.

عَلَى قِتَالِي لَمَا وَلَّيْتُ عَنْهَا، وَ لَوْ أَمَكْنَتِ الْفُرْصُ مِنْ رِقَابِهَا لَسَارَعْتُ إِلَيْهَا: ^۱ به خدا سوگند، اگر اعراب در نبرد با من پشت‌به‌پشت یکدیگر بدهند، از آن روی برنتابم و اگر فرصت داشته باشم، به پیکار همه می‌شتابم». امام حسین علیه‌السلام نیز در پاسخ برادرش محمد بن حنفیه فرمود: «یا اخی، وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأٌ وَلَا مَأْوَى لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنِ مَعَاوِيَةَ: ^۲ اگر در دنیا هیچ پناهگاهی نداشته باشم، با یزید بن معاویه بیعت نمی‌کنم».

از همین مکتب بود که شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام خمینی علیه‌السلام، قائد شهید امام خامنه‌ای علیه‌السلام و سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی درس آموختند و به دلیل شجاعت و رساندن ندای اسلام ناب محمدی به اقصی نقاط جهان، شهره عالم شدند. امام شهید خامنه‌ای عزیز در دوران مبارزه با نظام طاغوتی پهلوی، به هیچ‌وجه از زندان، شکنجه، تهدید و تبعید ترسیده بود و همواره در پیشانی صف مبارزه قرار داشت. پس از انقلاب نیز در جنگ تحمیلی در خط مقدم نبرد، حضور فعال و مداوم داشت و در مبارزه با توطئه‌های سازمان منافقین و بنی‌صدر، پا پس نکشید و به مانند امام خمینی، همواره در صف مبارزه با آمریکا قرار داشت.

ایشان در برابر توطئه‌ها، با اتکا به شجاعت و اعتماد به نفس و اعتقاد به امدادهای الهی و نیروهای مردمی، همه توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی را با موفقیت پشت سر گذاشت و اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی را به پیش برد و در عرصه انرژی هسته‌ای و تولید سلاح دفاعی، از جمله پهپاد، موشک و سایر ادوات نظامی، کشور را به سوی خوداتکایی و پیشرفت سوق داد؛ همچنین در سی‌وهفت سال مقام زعامت و رهبری ملت، لحظه‌ای در خود ترس و تردید راه نداد و در دوران اغتشاشات عوامل بیگانه و جنگ دوازده‌روزه، با شجاعت تمام و بی‌مانند دشمنان را زمین‌گیر کرد.

معظم‌له درباره شجاعت و مقاومت مردم ایران فرمود: «هر انسانی که بخواهد برای آن چیزی که به دنبال آن هست هزینه‌ای پردازد و زحمتی را بر دوش بگیرد، هرگز به آن هدف نخواهد رسید. با نشستن و عافیت‌طلبی و به دنبال تلاش و خطر نرفتن، هرگز انسان به آرزوهایش نمی‌رسد. ملت‌ها هم همین‌جورند. آن ملتی به عزت و سربلندی دست پیدا می‌کند که با شجاعت وارد میدان بشود، کار را تعقیب کند و هزینه‌های آن را هم با رشادت تمام پردازد و ملت ایران این کار را کرد».^۳

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، گنجینه نمایه آثار و بیانات رهبر انقلاب، ج ۴، ص ۱۴: khmnei.isca.ac.ir

۲. ایثار

مقام ایثار مقدم بر مقام شهادت طلبی است؛ به این معنا که انسان تا به فضیلت ایثار و از خودگذشتگی نرسد، نمی‌تواند در مسیر شهادت طلبی گام بردارد. خداوند متعال در وصف ایثار امیرمؤمنان علیه السلام در واقعه «لیلة المبيت» فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۱. این آیه به پاس ایثار حضرت علی علیه السلام برای نجات جان رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب خطیر و سرنوشت‌ساز هجوم طوایف قریش به خانه آن حضرت نازل شده است.

امام حسین علیه السلام هنگام حرکت از مکه به سمت کوفه و کربلا، در بخشی از خطبه خود فرمود: «مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتُهُ وَ مُوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا، فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنِشَاءَ اللَّهِ»^۲ هر کسی برای جانبازی در راه ما آماده است و برای شهادت و دیدار حق خشنود می‌گردد، با ما حرکت کند؛ به خواست خداوند متعال بامداد فردا از مکه خارج می‌گردیم».

آن حضرت پس از دیدار با حرّ بن یزید ریاحی در رفتن به کوفه، در بخشی از خطبه دیگر خود فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتْنَاهِي عَنْهُ؟ لِيَرْغَبِ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا، إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»^۳. ایشان برای زنده‌نگه داشتن حق و نابودی باطل و طغیانگری، چاره‌ای جز فداکاری و از جان‌گذشتگی نمی‌بینند و می‌فرماید کشته شدن در این راه، شهادت و همراهی و هم‌گرایی با ظالمان، ملال‌آور و دشوار است. قائد شهید امام خامنه‌ای علیه السلام با تأسی از جدش اباعبدالله الحسین علیه السلام در خطبه نماز جمعه ایام فتنه سال ۱۳۸۸ تهران فرمود:

یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولایمان و صاحب‌مان حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه): ای سید ما، ای مولای ما، ما آنچه باید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همه اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهیم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد.^۴

۱. بقره: ۲۰۷.

۲. علی بن موسی سید بن طاووس، اللهوف، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۹۴.

۴. بیانات در نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.

۳. عزت‌مندی و ذلت‌ناپذیری

«عزت‌مندی انسان» از زمینه‌های مهم شهادت‌طلبی است. از درس‌هایی که از مکتب امام حسین علیه‌السلام می‌توان آموخت، عزت‌مندی و ذلت‌ناپذیری است؛ به همین دلیل هنگام مواجه‌شدن با دشمنان در دشت کربلا با صدای رسا فرمود: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ يَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أُفْزِرُ فِرَارَ الْعَبِيدِ»^۱ به خدا سوگند، نه دست ذلت و خواری به شما می‌دهم و نه چونان بردگان می‌گریزم». در جای دیگر فرمود:

أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِمَّا الذَّلَّةُ يَأْبَى اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَبِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللِّغَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛^۲ هان! این حرامزاده پسر حرامزاده مرا میان دو چیز مخیر کرده است: میان شمشیر و تن دادن به خواری و هیهات که ما تن به ذلت و خواری دهیم. خدا و رسول او و مؤمنان و دامن‌های پاک و مطهر [ی که ما در آن پرورش یافته‌ایم] و دل‌های غیرتمند و جان‌های بزرگمنش، این را بر ما نمی‌پذیرند که فرمانبری از فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

قائد شهید امام خامنه‌ای علیه‌السلام از همین مکتب درس آموخت که عزت‌مندی و نفی ذلت‌پذیری، سراسر وجود نازنیش را فراگرفته بود و وی را الگویی عزت‌مند به دنیا شناسانید. معظم‌له در دیدار دانشمندان هسته‌ای فرمود: «ملت‌ها آن وقتی گرفتار می‌شوند که عزت‌نفس خودشان را از دست بدهند؛ آن وقتی به رایگان نوکری دیگران را قبول می‌کنند که ارزش خودشان را فراموش کنند».^۳ در سخن دیگر فرمود: «نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است».^۴

۴. تقوا و خدامحوری

«خدامحوری و تقوای الهی» یکی از عوامل شخصیتی انسان است؛ به گونه‌ای که چیزی جز

۱. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۹.

۳. بیانات در دیدار با دانشمندان هسته‌ای، ۱۳۹۰/۱۲/۰۳.

۴. بیانات در دیدار با مردم کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۳.

خدا را نبیند و هر چیزی را در راستای الهی بنگرد. به قول سنایی غزنوی:
 همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
 تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی^۱

زبان حال امام حسین علیه السلام که خدامحور کامل و عارف واصل بود در گودی قتلگاه روز عاشورا چنین است:

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طُرًّا فِي هَوَاكَا وَ آيْتَمْتُ الْعِيَالَ لَكِي اِرَاكَا
 وَ لَوْ قَطَعْتَنِي فِي الْحُبِّ اِرْبَا لِمَا حَنَ الْفَوَادُ اِلَيَّ سَوَاكَا^۲

خدامحوری موجب تعالی و ترقی زندگی انسان می شود و خریدار خدا می گردد و همان موجب اشتیاق به شهادت و لقاءالله می شود.

امام شهید آیت الله خامنه‌ای علیه السلام هم در سخن خود منادی خدامحوری بودند و هم در عمل، خدامحوری و تقوایبشگی را سرلوحه اعمالشان قرار داده بودند. ایشان از همگان نیز خواسته بودند که به خدا توجه کنند، از او کمک بخواهند، رابطه خود را با خدای متعال استحکام بخشند و در تمامی امور رضای خدا را مدنظر قرار دهند: «همهٔ برادران و خواهران عزیز نمازگزار و خود را دعوت و توصیه می کنم به حفظ تقوای الهی؛ این اصل حرکت یک انسان به سمت کمال و تعالی است. اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همهٔ خیرات و همهٔ الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد».^۳

ب) شهادت طلبی قائد شهید امام خامنه‌ای

آرزوی رسیدن به لقاءالله و شهادت در راه خدا، والاترین و مهم ترین درخواست عارفان و اصلاان به حق و معبود حقیقی است. قائد شهید امام خامنه‌ای علیه السلام بسان اجداد طاهرینش همواره آماده شهادت بود و استمرار حیات را تنها برای رضای الهی و خدمت به مردم خداجوی می دید و به دنیای دنی و ظواهر آن هیچ گاه دل نبست و خود را محدود به آن نمی نمود. از قائد شهید سخنان فراوانی درباره شهادت و مقام شهید بیان شده است که به مواردی اشاره می شود.

۱. سنایی غزنوی، دیوان اشعار، قصاید و قطعات، ش ۳۰۶.

۲. «این شعر از ابن عماد حنبلی است؛ ولی در رثای امام حسین علیه السلام خوانده می شود» (ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۲، ص ۲۸۳).

۳. سیدعلی خامنه‌ای، گنجینه نمایه آثار و بیانات رهبر انقلاب، ج ۶۲، ص ۱.

۱. ارزشمندی شهادت

شهادت از یک طرف معامله با خداست؛ آن صدقی که [در شهید] هست، معامله با خداست: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ»؛^۱ آن‌طور که یادم هست، از امیرالمؤمنین علیه‌السلام و از امام سجّاد علیه‌السلام نقل شده که قیمت جان شما خیلی بالاست، آن را نفروشید مگر به بهشت.^۲ این جان خیلی قیمت دارد؛ قیمت وجود شما خیلی بالاست؛ این را فقط به بهشت بفروشید؛ به هیچ چیزی کمتر از بهشت [نفروشید] که خدای متعال هم خریدارش است؛ جان مال خداست، خدا هم خریدارش است. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ»؛^۳ پس از یک طرف معامله با خداست، از یک طرف تأمین‌کننده مصالح ملّی است؛ همان تقویت هویت که گفتیم. شهادت فی سبیل‌الله مصالح ملّی را و منافع ملّت را تأمین می‌کند.

۲. شکست‌ناپذیری شهادت‌طلبان

«شهادت‌طلبی» فضیلت گران‌سنگی است که اگر در افراد یا در جامعه توحیدی به وجود آید، آنان را در برابر دشمنان و زورگویان شکست‌ناپذیر می‌کند. ممکن است آسیب‌های جانی، مالی و حیثیتی برای انسان به وجود آورد؛ ولی درنهایت آنان را پیروز می‌گرداند. همان‌گونه که سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام و یاران وی در کربلا با وجود شکست ظاهری، پیروز حقیقی گردیدند و بنای ظلم را بر باد دادند.

قائد شهید در این باره فرمود:

اینکه امام بزرگوار فرمود ملّتی که شهادت دارد اسارت ندارد، به این خاطر است. وقتی شما به فداشدن در راه خدا به صورت یک موقّعیّت بزرگ نگاه کردید، به سمت خطر - به خاطر شهادت - بی‌محابا حرکت کردید، هیچ نیرویی در دنیا نیست که بتواند در مقابل شما ایستادگی کند.^۴

۳. نقش جمهوری اسلامی در ایجاد روحیه شهادت‌طلبی

نظام جمهوری اسلامی، شتاب فزاینده‌ای برای شهادت‌طلبی مؤمنان به وجود آورد و شهیدان

۱. توبه: ۱۱۱.

۲. سیدرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۳. بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان قم، ۱۴۰۱/۰۸/۰۸.

۴. سیدعلی خامنه‌ای، گنجینه‌نامه آثار و بیانات رهبر انقلاب، ج ۴۱، ص ۳.

بی‌شماری را تقدیم اسلام و کشور عزیز ایران کرد. قائد شهید به آن افتخار نمود و فرمود: «آن چیزی که ما باید به آن افتخار بکنیم، این است که رسم شهادت و سنت الهی قتل فی سبیل الله با نظام اسلامی زنده شد»^۱.

۴. لزوم حفظ شهادت طلبی

با انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی با زعامت امامین انقلاب (امام خمینی و امام خامنه‌ای)، روحیه شهادت طلبی در داخل و خارج کشور به اوج خود رسید و بخش اعظمی از کشورهای اسلامی و غیراسلامی را دربر گرفت؛ ولی باید توجه داشت که این روحیه برای زمینه‌سازی مقدمات ظهور امام زمان علیه السلام باید محفوظ و تقویت گردد. قائد شهید در این باره فرمود: «ملت ایران باید روح شهادت را حفظ کنند. امروز دنیای استکباری پول دارد، اسلحه مدرن دارد، امکانات تبلیغاتی بی‌نظیر دارد، اتحاد نامبارکی با یکدیگر دارند؛ اما در عین حال، از حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی و روحیه شهادت طلبی شما مردم، با همه وجود می‌ترسند. این به خاطر آن است که این روحیه، قدرتش از همه آنچه که آنها دارند بیشتر است»^۲.

۵. آرزوی شهادت

تمام فضایی که برای شهید و مقام شهادت وجود دارد، در قائد شهید امام خامنه‌ای در حد اعلی وجود داشت و برای رسیدن به این مقام لحظه شماری می‌کرد:

من به شما بگویم و به زبان بیاورم، هر وقت من فکر این را می‌کنم که این جنگ و این شهادت و این میدان‌های شرف و خون تمام بشود و ما بمانیم و بعد یک وقتی مثلاً به تصادف بمیریم - که خیلی می‌میرند - به تب بمیریم، از تصور این فکر، خدا شاهد است آنچنان به قلبم فشار می‌آید ... یک میدان مسابقه افتخار ابدی و الهی، یک میدان مسابقه بهشت، این از آدم گرفته بشود و آدم همین‌طور بمیرد؛ این خیلی سخت است. ای کاش - و این دعایی است که از قلب ما برمی‌آید - ای کاش که مرگ ما هم مثل مرگ بچه‌های شما باشد. و من گمان نمی‌کنم که کسی باشد که حقیقت این جور مردن را بداند و این آرزو را نکند.

ایشان در یکی از دیدارهای خود با مسئولان کشور با قرائت این شعر از میلاد عرفان‌پور، دلتنگی

۱. همان، ج ۱۰۳، ص ۴.

۲. همان، ج ۲۵، ص ۷.

خود برای رسیدن به لقاءالله و مقام شهادت را بیان فرمود:
ما سینه زدیم بی‌صدا باریدند
از هرچه که دم زدیم، آنها دیدند
ما مدعیانِ صفِ اول بودیم
از آخرِ مجلس شهدا را چیدند^۱

قائد شهید در عمل و گفتار ثابت کرد در کنار شهیدان راه حق، خود ایشان نیز در دست‌یابی به این کمال انسانی در طول مدت عمر شریفشان تلاش‌های وافر و نموده است؛ سرانجام نیز به دست شقی‌ترین نظام‌های شیطانی جهان به شهادت رسید و آرزوی دیرینه خود را تحقق بخشید.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب، بیروت: دارابن‌کثیر، ۱۴۰۶ ق.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غُررالحکم و دُررالكلم، تنظیم و معجم‌نگاری: مصطفی‌درایتی، قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، گنجینه‌نمایه آثار و بیانات رهبر انقلاب، قم: پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی
۴. خوارزمی، موفق بن احمد، مَقْتَل الحسین علیه‌السلام، چ ۲، قم: انوارالهدی، ۱۳۸۱ ش.
۵. سنایی غزنوی، مجدود بن آدم، دیوان اشعار حکیم سنایی غزنوی، چ ۷، تهران: زوار، ۱۴۰۰ ش.
۶. سید بن طاووس، علی بن موسی، اللُّهُوف علی قتلی الطفوف، به همراه فرجام‌قاتلان امام حسین علیه‌السلام، ترجمه و تصحیح: عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۷. سیدرضی، محمد بن حسین، نَهج البلاغه، ترجمه و معجم‌نگاری: محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۸۳ ش.
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر شهید انقلاب اسلامی: Khamenei.ir.

ویژگی‌های امام شهید از زبان مقام معظم رهبری

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی محبوب‌زاده*

اشاره

ایامی چند از شهادت جانسوز قاعد امت به دست جنایتکاران تاریخ بشر می‌گذرد. در دورانی که بیانیه‌های حقوق بشر و قوانین بین‌الملل گوش عالم را کر کرده است، جنایتکاران به راحتی به تروریسم دولتی اقدام می‌کنند و رهبر یک کشور که نه، بلکه یک امت را به شهادت می‌رسانند. شیاطینی که از کشتن زنان و کودکان و شهروندان بی‌گناه و بی‌پناه هیچ ابایی ندارند، به یک مدرسه با ده‌ها کودک و معلم و پدر و مادر با سنگین‌ترین و پیشرفته‌ترین بمب‌ها حمله می‌کنند و ۱۶۸ کودک را به شهادت می‌رسانند؛ آب هم از آب تکان نمی‌خورد!

دشمن البته با هدف سقوط و فروپاشی نظام (تغییر رژیم)، نابودی توان هسته‌ای و قدرت موشکی ایران وارد شد؛ اما با وجود به شهادت رساندن قاعد امت و وارد کردن ضربه‌های بزرگ به رده فرماندهی نظامی و امنیتی، به دلیل ثبات ساختاری که میراث آن مرد حکیم است و همچنین شجاعت فرماندهان و رزمندگان نظامی و مردم با عظمت حاضر در صحنه، به اهداف خود نرسید. به یقین سخن گفتن از امام شهید در یک مقاله کوتاه نمی‌گنجد؛ اما موضوعی که بناست به اختصار بررسی شود، برخی از ویژگی‌های امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای با نگاهی به بیانیه رهبر معظم انقلاب سیدمجتبی خامنه‌ای به مناسبت چهلم ایشان است. امید است که گامی هرچند اندک در شناساندن آن دریای با عظمت علم و حکمت و عرفان و معرفت برداشته باشیم.

فرازهایی از بیانیه امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

صحبت از مردی است که آن قدر که مشهور بود، شناخته نشد. همه می‌دانند که قائد شهید ما،

* کارشناس مطالعات اجتماعی و مدرس حوزه و دانشگاه.

فقیهی زمان شناس و بصیر، مجاهدی خستگی ناپذیر و چون کوه استوار و محکم، عالمی عامل و ربانی، اهل ذکر و تهجد و تضرع به درگاه ربوبی و توسل به ذوات مقدسه معصومان علیهم السلام و از عمق جان، مؤمن به وعده‌های الهی بودند. از ویژگی‌های دیگر ایشان، ایران دوستی و تلاش مستمر برای استقلال هرچه بیشتر ایران عزیز بود که در کنار آن بر وحدت کلمه و انسجام ملی تأکید داشتند. ایشان عمری را در تلاش برای برپایی نظام اسلامی و قوام و بقای آن طی کردند؛ با این وجود، جمهوری اسلامی بدون مردم از نظر ایشان بی معنا می نمود. ایشان با وجود اقتدار و صلابت، بهره‌آفری از ظرافت در اندیشه و نگرش به امور داشتند؛ به ظرفیت‌های کشور به ویژه جوانان توجه خاصی مبذول می کردند و نیز به علم و فناوری و پیشرفت در سایه آن اهمیت می دادند.^۱

۱. زمان شناسی و بصیرت

بصیرت به معنای نوعی نگاه همه‌سونگر و دقیق است؛ نگاهی که از لایه‌های بیرونی بگذرد و به درون راه یابد؛ نگاهی که آن سوی حادثه‌ها را بکاود و متناسب با دریافتی که محصول این تأمل و روشن بینی است، تصمیم بگیرد و عمل کند.^۲ بصیرت همان ویژگی‌ای است که یاران اندک امام حسین علیه السلام در میان انبوه مردمان آن زمان، تنها کسانی بودند که با ژرف‌نگری همراهی با امام را انتخاب کردند و نام و راهشان در همیشه تاریخ جاری و جاودانه گردید. خداوند متعال در قرآن به اهمیت بصیرت اشاره می کند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۳ بگو این طریقه و راه من است که من و هر کسی که پیرو من است، بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنم».

بصیرت از نگاه امام شهید

از ویژگی‌های بارز امام شهید این بود که نه تنها خود دارای بصیرتی عمیق بود و این مسئله به زمان شناسی ایشان کمک شایان توجهی کرده بود، بلکه در تمام دوران زعامت و حتی قبل از آن کوشید مردم نیز با بصیرت و روشن بینی همراه شوند.

۱. پیام امام سیدمجتبی خامنه‌ای به مناسبت چهلم قاعد شهید امت، ۱۴۰۵/۱/۲۱، قابل دسترس در:

<https://www.leader.ir/fa>

۲. محمدرضا سنگری، آینه‌داران آفتاب، ج ۱، ص ۶۴.

۳. یوسف: ۱۰۸.

ایشان می‌فرماید: «بصیرت این است که انسان بداند این حقایق (نقاط ضعف و قوت خودش و دشمن) را درک کند، جایگاه خودش را، جایگاه کشورش را، جایگاه ملتش را، جایگاه منطقی انقلاب را، جایگاه آن خط مستقیم و صراط مستقیمی که امام در کشور ترسیم کرد، جایگاه اینها را بداند؛ این، بصیرت است».^۱

علی اکبر بشارتی - وزیر اسبق کشور - درباره ملاقات خاویر پرز دکوئیار با رهبر شهید انقلاب اسلامی (قدس الله نفسه الزکیه) می‌گوید:

بعد از صدور قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل، از سوی کشورهای قدرتمند دنیا بر ایران فشارهای زیادی وارد می‌شد تا آن را بپذیریم. در همان ایام دبیرکل وقت سازمان ملل متحد برای رایزنی‌های لازم به ایران آمد و با رهبر شهید که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، ملاقات کرد. پس از ملاقات به من گفت: رئیس‌جمهور شما از کدام دانشگاه علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شده است؟ سپس گفت: من از چند دانشگاه معتبر دنیا مدرک دکترای علوم سیاسی دارم و بیش از سی سال است که کار سیاسی می‌کنم و ده سال است که دبیر کل سازمان ملل هستم؛ تاکنون شخصیتی سیاست‌مدارتر و هوشمندتر از رئیس‌جمهور شما ندیده‌ام.^۲

۲. ایمان به وعده‌های الهی

رهبر انقلاب از عمق جان به وعده‌های الهی ایمان داشت؛ از این رو هرگز از ادامه راه، مواجهه با مشکلات بزرگ و قرارگرفتن در مقابل بزرگ‌ترین دشمنان خوف و هراسی به دل راه نمی‌داد. مواضع کوبنده و بدون ذره‌ای لکنت ایشان در مقابل مستکبران عالم، حضورهای حماسی‌شان در یک قدمی خطر هم در جبهه‌های نبرد و هم در همین سال‌ها، مثل حضور طولانی‌مدت در «نماز جمعه نصر» و ایام پس از جنگ دوازده‌روزه و بالاخره شهادت شجاعانه، گواه اعتقاد راسخ این مرد الهی به وعده‌های تخلف‌ناپذیر خداوند است.

مروری بر بیانات امام شهید درباره وعده‌های الهی

- ما شک نداریم که «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»^۳ وعده الهی حق است». «وَلَا يَسْتَخْفَىٰكَ الَّذِينَ لَا

۱. بیانات رهبری در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۱۳۹۴/۹/۴.

۲. محمدحسین راجی، سنگ محک، ص ۱۳۶ به نقل از جلوه آفتاب.

۳. رم: ۶۰.

یوقنون: ^۱ اینهایی که به وعده الهی یقین ندارند، با منفی بافی های خودشان شما را باید متزلزل نکنند، سست نکنند».^۲

- وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله مبارزه با استکبار مطرح می کنیم، معنای ویژه ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده هایی داده است که این وعده ها تخلف ناپذیر است. وعده داده است «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛^۳ وعده داده است که «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛^۴ وعده داده است که «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛^۵ وعده داده است که «وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»؛^۶ اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده های الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۷ خدا وعده های خودش را تخلف نخواهد کرد».^۸

۳. توجه ویژه به جوانان به مثابه ظرفیتی مهم

توجه ویژه به جوانان در سیره و کلام رهبر شهید کاملاً مشهود بود؛ چراکه جوانان در نگرش ایشان به مثابه موتور محرک حرکت روبه جلوی کشور بودند؛ از این رو هم قبل از انقلاب و هم در دوران ریاست جمهوری و رهبری به نقش دهی به جوانان اعتقاد داشتند. رهبر شهید همواره در روند دیدارها و ملاقات های خود فرصت های ویژه ای را در اختیار اقشار مختلف جوانان کشور قرار می دادند و از این مجرا ضمن شنیدن نقطه نظرات، انتقادات و پیشنهادهای آنها به تبیین جایگاه و نقش اثرگذار جوانان، وظایف و مسئولیت هایشان و نیز ارائه توصیه های لازم برای ارتقای سطح فکری، معنوی و اجتماعی آنها می پرداخت.

۱. رم: ۶۰.

۲. بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۰/۰۸/۱۴۰۲.

۳. محمد: ۷.

۴. حج: ۴۰.

۵. حج: ۳۸.

۶. رعد: ۱۷.

۷. آل عمران: ۹.

۸. بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۴۰۲.

جوانان مخاطب بیانیه گام دوم

مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب جوانان بودند: «اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم»^۱.

لزوم روحیه امید در جوانان

ایشان به جوان ایرانی با دیده اعتماد و امید می‌نگریست و وجود امید را برای این نسل ضروری می‌دانست؛ چراکه معتقد بود یکی از نقشه‌های دشمن ایجاد ناامیدی در میان جوانان برای آینده است:

هر جا جوان‌ها وارد می‌شوند، با خودشان مژده امید و نوسازی و نوآوری را به همراه می‌آورند. امروز یک جریان تبلیغاتی گمراه‌کننده‌ای وجود دارد که می‌خواهد عکس این را تبلیغ بکند؛ ... نسل جوان ما در همه عرصه‌ها و میدان‌ها تا امروز دارای حرکت درخشنده بوده است، در آینده هم ان‌شاءالله همین جور خواهد بود.^۲

ایشان خودشان هم سرشار از روحیه جوانی و امید بودند و در بیت شعری سرودند:
سرشارم از جوانی هر چند پیر دهرم چون سرو در خزان نیز، رنگ بهار دارم^۳

برخورد زیبا با جوان معترض

در یکی از دیدارها با مدال‌آوران المپiad در سال ۱۳۹۸، یک جوان خارج از پروتکل‌های رایج بلند می‌شود و گلایه‌هایی را از وضعیت نامناسب مقام‌های المپادی و تمایل به فرار از ایران به دلیل ناامیدی و بی‌انگیزه‌بودن مطرح می‌کند؛ چراکه بهای لازم به آنها داده نمی‌شود و استعدادشان در تخصصی که دارند به کار گرفته نمی‌شود.

رهبر شهید با بیانی ملاحظت‌آمیز تفقد می‌کند و در ادامه پاسخ می‌دهد: «ممکن است با برخی حرف‌های شما من موافق باشم؛ اما با ناامید شدن به شدت مخالفم. شما جوانید و این مسائل که گفتید، مشکلات است. اگر بنا بود در مقابل مشکلات ناامید شویم، نسل‌های قبلی اصلاً حرکت‌شان متوقف می‌شد و ما امروز باز در همان دوران طاغوت و انجماد و عقب‌ماندگی

۱. بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴.

۲. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۱/۷/۱۱.

۳. غزل شرح حال، مقام معظم رهبری.

و فساد بودیم. برای شمای جوان هیچ چیزی نباید ایجاد ناامیدی کند...؛ ناامیدی سم است، هیچ چیز مجوز ناامیدی نمی‌شود».

جوان می‌گوید از بچگی آرزوی دیدار رهبری را داشته است، نزد رهبری می‌آید و رهبری او را می‌بوسد و با درخواست چغیبه و اجابت رهبری تمام می‌شود.^۱

تمام کسانی که با ایشان ارتباط داشته‌اند و این روزها از خاطرات خود می‌گویند، بر این مهم تأکید دارند که آقا برای جوانان وقت می‌گذاشت و موقع صحبت اجازه نمی‌داد کسی مزاحم‌شان شود.

۴. اهمیت دادن به علم و فناوری و پیشرفت

اهتمام رهبر شهید به پیشرفت علم و فناوری را می‌توان در بیانات و حمایت‌های فراوان از شرکت‌های دانش‌بنیان، اهمیت دادن به توانمندی و رشد علمی جوانان به‌ویژه حمایت از مقام‌های برتر المپیادهای علمی و نشست‌های صمیمی که با این جوانان برگزار می‌شد، جستجو کرد.

او معتقد به این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بود که «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ: ^۲ دانش، سلطنت و قدرت است؛ هر که آن را بیابد، با آن یورش برد و پیروز شود، و هر که آن را نیابد، بر او یورش برند و مغلوب گردد».

انتظار رهبری شهید از مراکز علمی

«من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر (نمی‌گویم ده سال، پانزده سال دیگر) در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزنیم؛ یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - در دنیا زبان علم بشود».^۳

دیدار با نخبگان

دیدار با نخبگان به‌ویژه در دهه نود از اولویت‌های امام شهید است؛ دیداری که حتی در ایام شهادت سیدحسن نصرالله که بسیار بر امام شهید سنگین است، لغو نمی‌شود. ایشان در ابتدای

۱. باشگاه خبرنگاران جوان:

<https://www.yjc.ir/fa/news/7043179>.

۲. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

۳. بیانات در دیدار با اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳/۷/۱۳۸۵.

دیدار می‌فرماید: «ما در این روزها عزاداریم؛ به خصوص بنده به جد عزادار هستم. حادثه‌ای که اتفاق افتاد، حادثه کوچکی نیست. فقدان آقای سیدحسن نصرالله حادثه کمی نیست و جداً ما را عزادار کرده است. فضا فضایی عزای عمومی است در کشور و به معنای واقعی کلمه عزاست، این دیدار را به بعد موکول نکردم. ... فکر کردم که این موضوع نباید عقب بیفتد. این جهت‌گیری و گرایش به نخبگی و نخبگانی نباید عقب بیفتد»^۱.

میراث علمی امام شهید

برخی از پیشرفت‌های کم‌نظیر و انکارناپذیر جایگاه علمی ایران در حوزه‌های مختلف در جهان و منطقه در این سال‌ها:

(الف) در یک دوره سی‌ساله از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی، رشد خروجی‌های علمی ایران، یازده برابر بیشتر از متوسط جهان و بیش از هر کشور دیگری بوده است.

(ب) طبق داده‌های استنادی جهان اسلام، ایران از نظر شمار انتشارات در ده سال گذشته در حوزه مهندسی رتبه ۱۲، علوم مواد رتبه ۱۱، شیمی رتبه ۱۲ و ریاضی، رتبه ۱۴ در جهان را به دست آورده است.

(ج) ایران در حوزه‌های شیمی، مهندسی، علوم مواد، فیزیک، ریاضی، داروشناسی و سم‌شناسی، علوم کامپیوتر، زمین‌شناسی، میکروبی‌شناسی و علوم فضا، رتبه ۱ را در میان کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۷ کسب کرده است؛ یعنی چند سال زودتر از افق چشم‌انداز^۲.

۵. ایران دوستی

امروز ایران دوستی امام شهید بر همگان روشن شده است؛ فقیه‌ی که با وجود تسلط کامل به زبان عربی و محتوای قرآن و روایات اهل‌بیت در حوزه‌های مختلف، حساسیتی کم‌نظیر به زبان فارسی دارد و کاملاً مقید است که از واژه‌های فارسی در نوشته‌ها و گفته‌ها بهره گرفته شود.

روزنامه اینترنتی «صدای ایران» متعلق به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب در مقاله‌ای با عنوان «شهید کشور دوست»، نکات مهمی را درباره نگاه حضرت امام خامنه‌ای به وطن و اهمیت ایران برای ایشان منتشر کرده است که بخش‌هایی از آن در ادامه آمده است.

در سال‌های اول جنگ تحمیلی، در جلسه پرسش و پاسخ نماینده امام، آیت‌الله خامنه‌ای با

۱. بیانات در دیدار با نخبگان، ۱۱ مهر ۱۴۰۳.

۲. اندیشکده راهبردی سعدا، زیر نظر محمدحسین راجی، صعود چهل‌ساله ۲، ص ۱۹۲.

رزمندگان، این دوگانه در قالب یک پرسش مطرح شد که ما برای اسلام مبارزه می‌کنیم یا وطن؟ آن سال‌ها پروژه‌ای که در دوره طاغوت برای شکاف بین «ایرانیت» و «اسلامیت» شکل گرفته بود، هنوز جلوی چشم خیلی از رزمندگان بود. پاسخ آیت‌الله شهید خامنه‌ای صرفاً رفع یک ابهام نبود؛ صورت‌بندی یک نظریه و منطق دائمی بود. وقتی انقلاب اسلامی ظرف تحقق اسلام در ایران شده، دفاع از یکی بدون دیگری بی‌معناست ... ببینید امروز وطن با کدام اندیشه گره خورده است؟ این دو بر هم منطبق شده‌اند ... امروز ایران عزیز با اندیشه اسلام - که مایه اصلی انقلاب است - یکی شده است. شما اگر بخواهید از انقلاب اسلامی دفاع کنید، نمی‌توانید از ایران دفاع نکنید».

در دوره سی و هفت‌ساله رهبری قائد شهید از پایان دفاع مقدس تا مسیر بازسازی و پیشرفت، به تدریج در سیاست‌گذاری، نهادسازی و فرهنگ عمومی، این مفهوم و نگاه به وطن رسوب کرد و از یک پاسخ به یک باور عمومی تبدیل شد؛ به همین دلیل «ایران‌دوستی» از سطح احساس عبور کرد و به برنامه عمل بدل شد؛ چه در دوران جنگ، چه در دوران صلح.

در این چارچوب، این نظریه وطن‌دوستی و ایران‌دوستی در چند ساحت کلیدی عملی بیشتر خود را نشان داد: زبان فارسی به مثابه زیرساخت هویت ملی، تاریخ و مفاخر ایرانی در جایگاه بستری برای خودآگاهی ملی، میراث باستانی به مثابه منبعی برای اعتماد به نفس تاریخی و امنیت و تمامیت ارضی ایران که حفظ آن در منظومه فکری ایشان یک واجب شرعی است.

ایشان در بازدید آذر ۱۳۶۷ از تخت جمشید، آن را «گنجینه‌ای که می‌توان در آن تاریخ ایران و ایرانی را مشاهده کرد» توصیف می‌کنند و هم‌زمان تأکید دارند که باید میان هنر و تمدن ایرانی و سلطه‌گری پادشاهان تفکیک کرد. امام شهید به علم و فناوری هم به مثابه ابزاری برای تثبیت این هویت در سطح قدرت تأکید داشت.^۱

کتاب‌نامه

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قم: مکتبه‌آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی رحمته‌الله.
۲. اندیشکده راهبردی سعدا، زیر نظر محمدحسین راجی، صعود چهل‌ساله ۲، چ ۴، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۴۰۲ ش.

۱. «شهید کشوردوست» عنوان سرمقاله روزنامه اینترنتی «صدای ایران» متعلق به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب، ۱۴۰۵/۲/۸.

ویژگی‌های امام شهید از زبان مقام معظم رهبری ■ ۹۵

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>
۴. پیام امام سیدمجتبی خامنه‌ای به مناسبت چهلم قاعد شهید امت، ۱۴۰۵/۱/۲۱؛ در: <https://www.leader.ir/fa>
۵. راجی، محمدحسین، سنگ محک، [بی‌جا]: نشر معارف، ۱۴۰۰ ش.
۶. روزنامه اینترنتی «صدای ایران»، «شهید کشور دوست»، دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب، ۱۴۰۵/۲/۸.
۷. سنگری، محمدرضا، آینه‌داران آفتاب، چ ۱، تهران: نشر بین‌الملل، ۱۳۸۶ ش.
۸. «ناگفته‌هایی از تدابیر رهبری در ۲۲ سال اخیر»؛ گفتگو با سرلشکر صفوی دستیار و مشاور عالی فرمانده کل قوا، ۱۳۹۰/۱۱/۱۸: <https://www.tabnak.ir>

